



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه (۳) اسفند ماه ۱۳۴۷

- ۲ - ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور.
- ۳ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه.
- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- پهرست مطالب :

مجلس در ساعت نه و پنج دقیقه صبح بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

- مریدی - کریم بخش سعیدی - مهندس معتمدی -
- ریگی - مهندس عزت - مهندس سہم الدینی - بہنیا -
- مهندس قادرپناه - نهرانی - اہری - فخر طباطبائی -
- اخلاقی - دکتر معظمی - تیمسار وحدانیان.

غائبین مریض - آقایان :

- فیاض - سلیمانی کاشانی - سعید وزیری - دکتر
- اسفندیاری - بختیار بختیارپنا - مهندس صائبی.

۲ - ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشود کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور مطرح است آقای پزشکپور بفرمائید.

پزشکپور - همکاران گرامی بریاست مجلس شورای

ملی، من در آغاز سخن و بخصوص در روزی که یادآور يك حادثه و رستاخیز بزرگ تاریخ میهن ماست عرایض خود را دنبال میکنم، روزی که ناسامانیهای دیرین و نشئت و تفرقه و بی انضاطی، بی توجهی، بی تفاوتی و عدم توجه دستگاہهای مسئول وقت را نسبت به سر نوشت مملکت پشت سر گذاشت و جنبشی بزرگ را آغاز کرد و پایه های ایرانی منضبط، آبرومند و دورانی جدید را استوار ساخت. این روز بزرگ روزی که بی چون و چرا سر آغاز جنبش ناسیونالیسم ایران در عصر کنونی است سوم اسفندماه است (صحیح است) در مورد اهمیت این روز، ارزش این روز و اثرات و ذکر کویتهای این روز تاریخی که در تاریخ ملت ما بوجود آورد همگی بر آن آگاهی داریم (صحیح است) مردی دلیر، سرداری ایزان پرست، کسیکه آرمانهای ملت و نژاد خود را بخوبی درک میکرد و می شناخت بیا خاست درفش قیام بزرگی را به اهتزاز در آورد و پایه های ایرانی سرفراز و پر افتخار را بنیان گذاشت، آنچه که بیشتر حائز اهمیت است این است که رضا شاه بزرگ، ملین سردار دلیر و بزرگ تاریخ

با خود يك نظم اجتماعی و نظم فکری برای ملت ما آورد (صحیح است) او هر نوع تشنگی، هر نوع تفرقه و هر نوع ناسامانی را محکوم کرد بطور قطع در يك بررسی دقیق باین مسئله می‌رسیم که بعد از دوران شاهنشاهی ساسانیان حکومت و نظمی که دقیقاً و عمیقاً با ایدئولوژی ایرانی و با طرز فکر و اندیشه ناسیونالیسم ایران از جهات مختلف استقرار پیدا کرد نظمی بود که رضا شاه بزرگ آنرا بنیان گذاری کرد (صحیح است) این نه هرگز مثبت معامله است، حقیقتی است، واقعیتی است. پس از دوران شاهنشاهی ساسانیان تا قیام زمان سردار بزرگ و دلیر ایران رضا شاه بزرگ، حکومتها و مدارانی بزرگ بودند که هر يك از جنبه‌های او از جهتی در راه گسترش ناسیونالیسم ایران و مبارزه با نفوذ خارجی و اندیشه بیگانه ستیزه کردند ولی رضاشاه آن مرد بزرگ آنچنان مردی بود که آرمانها و نیازهای ما را، بخوبی شناخت، او بعد از دهدهای بسیار بهمد آرمانهای ملت ما با آگاهی توجه کرد در ریافت که ارتش نیرومند می‌خواهیم، دریافت که ایرانی صنعتی می‌خواهیم، دریافت که در خلیج فارس باید دگر باز نیروی دریائی ایران و درفش آسمانی رنگ ایران بحر کت در آید دریافت که پس از سده‌های بسیار باید سرستونهای تخت جمشید را از زیر انبوه خاک بیرون کشید نامه‌های والای ایران را باید بر ماههای ایرانی بگذارد دریافت که زبان فارسی این گنجینه گرانقدر ملت ما را باید گسترش دهد و بالاخره دریافت که با هر نوع فکر بیگانه با هر نوع سنت بیگانه در تمام شئون اداری و اجتماعی ملت ایران باید مبارزه کند. تاریخ را در بار جنبش و حرکت در آورد و نظمی عظیم را پایه گذاری کرد پس ارزش این روز بزرگ برای ما ارزش در هم شکستن سکوتهای دهه‌ها و سده‌ها و ارزش روشن ساختن دگر بار همه بارقه‌های امید زندگی ملت ما بود من راستی، بویره از يك جهت در این روز از اعماق دلم همه درودهای يك و ایرانی خود را بروان آن مرد بزرگ ایثار می‌کنم (احسنت) (نمایندگان - همه اینطور احساس دارند) بله همه همینطور، و آن این است که اساس انضباط و ارزش منضبطی را پایه گذاری کرد ما باین مسأله يك ایمان قاطع داریم

که ممکن نیست مملکت ما هیچ ملتی بدون برخورداری از انضباط نتواند به هدفهای قطعی و آزادی بخش خود برسد و بخصوص از این نظر این یادآوری برای من پیدا شد که می‌بینم در این دو روز بحث و بررسی بودجه تیمسار سپهبد وزیر جنگ و معاون پارلمانی ایشان در مجلس حضور دارند و مرتب حضور پیدا کرده‌اند، امروز از لحظات نخستین بودند و به بحث در باره بودجه دقیقاً توجه می‌فرمایند من در هر موردی دیدم که کار ارتش ما، کار سپاهیان ما دو خور ستایش است (صحیح است) و این نیست جز آنکه این روان و این اندیشه‌ها را آن مرد بزرگ به ارتش ما داد (دکتر طالع باید سرمشق باشد) و دیگر اینکه بسیار تأسف خودم را ابراز میدارم از اینکه در واقع مجلس برای بحث بودجه کار خودش را با حضور تقریباً ۴ نفر شروع کرد (پور بابائی - ۶۹ نفر) شروع بحث را عرض کردم (پور بابائی - قبل از دستور را میشود با مقداری کم شروع کرد) وقتی بودجه مطرح است قبل از دستور نیست (پور بابائی - جناب عالی در بودجه که صحبت نمی‌فرمایید) وقتی بودجه مطرح است قبل از دستور نیست الان دستور مطرح است من که قبل از دستور صحبت نمی‌کنم علی‌احمال باید به کیفیت باشد و امیدوارم جناب آقای مهندس ارفع لیدر اکثریت اینجا تشریف می‌داشتند (مهندس صابئی - برای نشان تاج گیل به آرامگاه رفته‌اند) (دکتر مهدوی - آنها وظیفه خود را انجام میدهند شما هم وظیفه خودتان را انجام بدهید) من هم وظیفه خودم را انجام میدهم (دکتر طالع - وظیفه ایشان بود که در مجلس شرکت میکردند) حق بود يك برنامه عمومی بود و برنامه را همه احترام میکردیم و مقام ریاست دستور می‌فرمودند همه میرفتیم و در مراسم نشان تاجهای گل شرکت میکردیم در این هیچ تردیدی نیست ولی اگر قرار بود بحث بودجه ادامه پیدا کند بطور قطع نمایندگان مجلس می‌بایست در صندلیهای خود می‌بودند علی‌احمال این یادآوری به این خاطر است که یادآوری روزهای بزرگ صرفاً بخاطر یادآوری محض نیست ما باید فلسفه این روزهای بزرگ را بشناسیم و فلسفه این روزهای بزرگ را سرمشق و روش زندگی خود قرار بدهیم. اگر

چنین نکنیم سیاست بایسته بجا نیآورده‌ایم. نکته دوم که می‌خواستم عرض کنم اشاره بسیار مجملی بود که روز گذشته را در بیان و فرستنده‌های تلویزیون نسبت به بحث بررسی پررنگ من درباره بودجه داشتند، یعنی صرفاً به بیان تاریخی کفایت شده بود و من تا آنجائی که آگاهی دارم میدانم که نظر جناب آقای نخست‌وزیر این است که مسائل بحث درباره بودجه باین وسعت بیشتر نمی‌تواند بشود و در روز همانطور که عرض کردم فقط اشارتی شده بود در حالیکه ایجاب می‌کنند همانطور که مجلس و هیئت دولت بر حسب قانون و وظیفه هنگام بررسی بودجه کار مستمر و پیگیر دارند باید که گروه‌های میهن ما، مردم میهن ما از انجام این کار مستمر و پیگیر و حداقل از کلیات مسائل مربوطه در این کار مستمر و پیگیر آگاه باشند و این امر انجام نشده بود و امید هست که در این روزها دستگاه وزارت اطلاعات باین مسائل عنایت بفرمایند بحث پررنگ من درباره وظایف وزارت دارائی بود و اینکه بسیاری از وظایف اساسی را از وزارت دارائی سلب کردند. عرض کردم مهمترین وظیفه وزارت دارائی اولین وظیفه وزارت دارائی این است که من حیث المجموع و بطور کلی نظارت لازم را بر بیت‌المال مملکت و خزانه دولت داشته باشد. وزارت دارائی هرگز فقط يك دستگاه مخصوص برای وصول مالیات نیست بلکه وظیفه نخستین و اصلی او این است که بر تمامی منابع درآمد مملکت و بر تمامی موارد خرج از آن منابع نظارت داشته باشد تا بتواند آنطور که در بودجه ذکر شده امور مالی را به مفهوم اساسی خودش نشیت ببخشد در حالیکه به دلالت بودجه‌ای که مورد بحث است و يك نوع نظم مالی خاصی که بیشتر در زمان حکومت حزب اکثریت یعنی حزب ایران نوین وجود آمده است این نظارت متزلزل شده (صحیح است) در واقع بجای يك نوع نظم مشخص مالی يك نوع ناسامانی مالی وجود آمده است که این ناسامانی مالی ما نتیجه از بین بردن حق نظارت و نتیجه ایجاد تزلزل و تخدیش در این وظیفه اساسی وزارت دارائی است این یکی از مسائلی است که ما به شدت بآن معتقد هستیم یکی از اصولی است که به شدت به آن اعتقاد داریم که بهر حال در يك مرجعی

همه امور مالی مملکت يك کاسه مورد نظارت و اعمال نظارت و با نفع و ارشاد قرار بگیرد چنین مرجعی بموجب قوانین مربوط بموجب اصول مشخصی بموجب سنت‌های اداری، بموجب روشی که ما داشتیم و دیگر کشورهای جهان دارند این وظیفه وزارت دارائی است و وظیفه وزارت دارائی قبل از هر چیز اعمال و اجرای این نظارت است (قاضی زاده - کنترل مالی از نظر جناب عالی فراموش نشود) من حالا از متن بودجه این موارد را برای اطلاع آقایان بخصوص جناب آقای قاضی زاده عرض می‌کنم (فرهادپور - ذیحساب مملکت وزیر دارائی است و خزانه مملکت هم یکی است) همانطور که عرض کردم در بودجه برای درآمد چند ردیف در نظر گرفته شده، چند عنوان ذکر شده، یکی درآمد عمومی یکی درآمد اختصاصی یکی درآمد برنامه‌ویکی درآمد مؤسسات وابسته که مجموع این درآمدها شده است درآمد کل مملکتی که مبلغ ۳۳۰ میلیارد ریال است. عرض کردم که گذاردن عناوین مختلف برای ستونهای مختلف درآمد این ماهیت و حقیقتی است که بهر حال اینها هر يك قسمتی از درآمد خزانه دولت و بیت‌المال مملکت است از بین نمی‌برد (صحیح است) اینک ما بیابیم در ستونهای مختلف طبق درآمدهای مختلف عناوین مختلف ذکر میکنیم این خصوصیت و بهم پیوستگی این درآمدها و تعلق این درآمدها را بدولت و ملت ایران از بین نمی‌برد، اما بموجب این بودجه و این نظم و این روشی که هست آنچه که در محدوده اختیارات و نظارت وزارت دارائی قرار گرفته است ستونی است که بآن عنوان کرده‌اند درآمد عمومی که این درآمد عمومی مبلغ ۱۱۲ میلیارد ریال است که تازه قسمتی از این ۱۱۲ میلیارد ریال درآمدی است که از طریق طرح‌های مستمر برنامه‌های عمرانی پیش بینی شده که آنهم بموجب نظامات خاصی تابع يك نوع نظامات خاصی است و از نظارت وزارت دارائی به آن نحو شایسته‌اش خسار است در نتیجه ما مواجهیم بله ۳۳۰ میلیارد درآمد که از این ۳۳۰ میلیارد درآمد فقط ۱۱۲ میلیارد ریال آن تحت نظارت وزارت دارائی است ما مواجهیم با ۳۳۰ میلیارد هزینه که این ۳۳۰ میلیارد ریال هزینه فقط ۱۱۲ میلیارد ریال آن تحت نظارت وزارت دارائی است من عرض میکنم چنین نظم مالی نمیتواند يك نظم هم‌آهنگ و بسود انقلاب و

هدفهای انقلاب باشد (صحیح است) (مهندس ارفع - دلایل را بفرمائید) دلایل این است که این مابه التفاوت ۱۱۲ میلیارد ریال ۳۳۰ میلیارد ریال از وجوهی است که در آمد ناشی از مؤسسات انتفاعی باشد کتلهای بازرگانی با سرمایه دولت است و مابه التفاوت هزینه ۳۳۰ میلیارد پس از کسر ۱۱۲ میلیارد هزینه مؤسسات با سازمانهایی است که هر یک بموجب قوانین و مقررات خاص و استثنائی از نظارت و اعمال نظارت وزارت دارائی خارج شده اند (دکتر خزائی) - از نظارت وزارت دارائی خارج نیستند (خارج هستند) (دکتر خزائی) - خارج نیستند منتهی بودجه آنو نام است و سابقه هم در تمام کشورهای جهان دارد) بنابراین یک چنین وضعی در نتیجه عدم اعمال و اجرای نظارت وزارت دارائی از این امور و درآمد و هزینه مملکت موجب نابسامانیهایی می شود بعنوان نمونه عرض می کنم یکی از این نابسامانیها که نتیجه عدم نظارت حق نظارت دولت و بهر حال نتیجه عدم یک نوع نظارت متمرکز همان نابسامانی بود که در وضع شرکت واحداث و بوسرانی پیش آمده اگر نظارت میشد اگر دخل و خرج مورد نظارت قرار میگرفت اگر درآمد و هزینه های این دستگاه تحت یک نظم و احدمالی بود بطور قطع کار این مؤسسه باین نابسامانی نمی انجامیده این موارد دیگر است که بعد عرض می کنم دلیل این است که غالب سازمانهایی که بآنها نام سازمانهای انتفاعی داده ایم، غالب مؤسساتی را که بآنها اسم مؤسسات انتفاعی داده ایم، میلیون ها تومان، میلیاردها ریال از این درآمد را بدست آنها سپرده ایم غالباً بنگاهها و مؤسسات سودآوری نیستند، نه آنکه طبیعت کارشان سودآور نباشد ولی چون آن نظارت کافی نیست آنها نتوانسته اند تبدیل بشوند به سازمانها و مؤسسات انتفاعی و سودآور و واقعاً باین دلیل است که در ستونهای بسیاری معنائاً و واقعاً زبان می بینیم در کار چنین دستگاههایی علی ایحال مسأله بطور کلی این است، عرض کردم که ما مسائل را در یک چهارچوب اصولی بررسی می کنیم، عقیده داریم معتقد هستیم یک نوع نظم خاصی حالا آقایان بفرمائید این عقیده را ندارند، میفرمائید هر چه بیشتر درآمد مملکت را باید بدست مؤسساتی سپرد که تابع یک نظم کلی، میباشد امر دیگری

است متأسفانه باین جهات است که واقعاً از آن امکان مالی و قدرت مالی که بوده، آن امکانات اجتماعی خاصی که بوده نتوانستیم بهره گیری لازم را بکنیم (صحیح است) باین جهات است که گروه پارلمانی بان ایران نیست هیچ کیفیت نمیتواند بایک بودجه ای موافق باشد که این بودجه نزدیک به ۲۰۰ میلیارد ریال درآمد و هزینه مملکت را از تحت نظارت و حق اعمال نظارت وزارت دارائی بایک دستگاه متمرکز خارج کرده است (عده ای از نمایندگان - کاملاً صحیح است) و این ستون چرادر و بروز افزایش پیدا میکند این نسبت چرادر و بروز افزایش پیدا میکند شاه همین ستون را مقایسه بفرمائید با بودجه های سال گذشته می بینید در هر سال بر آن میزان و نسبت درآمد و با هزینه هایی که خارج از آن نظارت واقعی دستگاه مالی مملکت افزوده میشود دو طرف این معادله فرق میکند دو طرف این معادله بزبان حق نظارت وزارت دارائی و بسود و خروج سرمایه هایی از این حق نظارت مدام فرق میکند و این یک نظم درستی نیست (دکتر المونی) - آقای پزشکپور درآمدهایی که صرف بر نامه های عمرانی میشود بصلاح مملکت است (این موضوع را آقای دکتر المونی منم کاملاً میدانم که اگر این درآمدها بسود بر نامه های عمرانی مملکت خرج بشود بسود مملکت است ولی هیچ بسود مملکت نمی بینم که درآمدها از طریق یک دستگاه واحد مالی مورد نظارت قرار نگیرد میدانم اگر یک ریال خرج بر نامه های عمرانی نشود بسود مملکت است ولی هیچ دلیلی نمی بینم و مطلقاً قانع نشدم که منطقی وجود داشته باشد که آن بکریالیکه برای بر نامه های عمرانی خرج میشود خارج از نظارت واحد مستقل باشد (دکتر المونی) - قانون خاصی دارد) میدانم برای هر یک قانون خاصی آورده میدانم برای هر شرکت بازرگانی قانون خاصی آورده و بهمین جهت است که در یک چنین بحثی تنها روی سخن من متوجه دولت نیست چه بسا ممکن است که دولت واقعاً چنین سلیقه ای را باین شدت نداشته باشد که چنین نظارتی را نداشته باشد روی سخن با حزب اکثریت است با گروه و رازمانی حزب ایران نوین است که نیاید بموجب یک سلسله قوانین و نظاماتی نظم

مالی مملکت را بطور کلی منسوخ کند که برسیم به معانی که من نمونه هایش را عرض خواهم کرد که ببینیم آیا با بودجه و درآمد مملکت باید با او باین کیفیت رفتار شود (صحیح است) در حالیکه اگر نظارت میبود ممکن نبود سخن من این است والا با جنابعالی کاملاً هم آهنگی داریم همین نکته ای است که بحث خواهم کرد که متأسفانه نامی این بودجه ها بجای اینکه مصروف بر نامه های عمرانی بشود قسمت عمدتاًش در باره لو کس سازی، اموریکه واقعاً جنبه عمرانی ندارد مصرف میشود اگر این حق نظارت اعمال میشد چنین وضعی بوجود نمی آمد. اما این دو طرف معادله چرا مدام فرق میکند؟ چون مدام بموجب وضع قوانین خاصی، بموجب یک لوایح خاصی سازمانهای اداری، سازمانهایی را که در نظم اداری مملکت میتوانند وظایفی را انجام دهند تبدیل میکنند سازمانهای مستقل باصطلاح انتفاعی یا شرکتی بازرگانی دولتی و در نتیجه بیایی به همان کیفیت که عرض کردم یک طرف معادله بزبان اعمال حق نظارت دستگاه نظارت کننده دارائی تغییر پیدا میکند. بنابراین سخن این است که باید در مورد بیت المال مملکت، خزانه دولت، قائل بآن کلیت و جامعیت بود و نظم مالی و از جمله باصطلاح چهارچوب بودجه مملکت را بر اساس چنین شناختی از خزانه مملکت پیاده کرد. در لایحه ای که تقدیم شده است حداقل کوششی شده برای اینکه در واقع اگر چنین نظارت اعمال نمیشود در بعضی موارد یک حق اطلاعاتی اعمال بشود. در بند (ب) از تبصره یک هست که ذکر شده وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی موظفند حساب کلیه درآمدهای اختصاصی خود را از هر منبعی که باشد و هزینه هایی را که از محل آن صورت میگیرد طبق دستور العمل وزارت دارائی بوزارت مذکور و دفتر بودجه ارسال دارند یعنی اینجا حداقل پیش بینی شده است که حق اطلاعاتی برای وزارت دارائی قائل بشوند ولی من متعجبم که چرا در این قسمت دو قسمت خیلی مهمتر را که اصولاً بیشتر این درآمد با هزینه که عرض کردم مربوط بآنها میشود و بطور قطع باید یک اطلاع و نظارت دقیق از طرف دستگاه مرکزی مالی مملکت نسبت بوضع آنها باشد ذکر نکردند و آن عبارتست

از مؤسسات انتفاعی دولت و شرکتی بازرگانی که با سرمایه دولت اداره میشود (دکتر یزدان پناه) - برای یک امر واحد که ۸ دستگاه یک کار را کنترل نمیکند همه شرکتها همیشه بر اساس قانون شرکتها عمل میکنند (آقای دکتر ما عقیده باین کنترل داریم در این بحثی نیست که آقایان شما عقیده ندارید و چون عقیده ندارید آن قانون را گذارند. اما ما این عقیده را داریم و بهر حال یک ضرورتی حداقل برای اعمال یک نوع حق اطلاعاتی بوده است که دولت در بند (ب) از تبصره یک این نکته را ذکر نموده بجهت مناسبت مؤسسات دولتی باید این گزارش را بدهند با اینکه آنها تحت نظارت بیشتر هستند ولی مؤسسات انتفاعی دولت و شرکتی بازرگانی نباید این گزارش را بدهند؟ میفرمائید نباید بدهند چون شرکت هستند مسئله درآمد مملکت و خزانه مملکت را نمیشود با این حرفها ندیده گرفت (خواجہ نوری) - اگر این ارقام را نمیدادند که این بودجه را نمیشد نوشت) بله حالا این ارقام هم هست عرض میکنم در این بند (ب) که آمده و ناظر است بوزارتخانه ها و مؤسسات دولتی که این وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی بنا بر مقررات و قوانینی زیر نظر وزارت دارائی هستند ولی دولت لازم دیده که تأکید بکنند این مؤسسات و وزارتخانه های دولتی که از درآمد مملکت میگیرند و در راه بر نامه های عمرانی خرج میکنند یا باید خرج کنند مکلف باشند وقتی وزارت دارائی خواست گزارشی از درآمدها و نحوه خرج این درآمدها بوزارت دارائی بدهند عرض من این است که این حکم قانون باید ناظر بر مؤسسات انتفاعی و شرکتی بازرگانی هم که با سرمایه دولت اداره میشوند بشود تا حداقل اگر این حق نظارت را فعلاً نمیخواهید اعمال بکنید این حق اطلاع را بوزارت دارائی داده باشید که بدانند در یک سازمان و مؤسسه چه درمی آید، چه خرج میشود که پیشنهاد منضم کردن مؤسسات انتفاعی دولت و شرکتی سهامی بازرگانی باین بند (ب) و قرارداد آن آنها در مشمول مقررات بند (ب) تقدیم خواهد شد بهر حال قطعی است

که بحث بودجه، بحث بر خورد افکار و عقاید است بحث بودجه بحث این است که هر حزب و تشکیلاتی برای مملکت برای سازمانهای مملکت چه نوع نظمی را ارائه میدهد بحث بودجه این بحث است که هر گروه پارلمانی نسبت مسائل مختلف پارلمانی چه نظر و عقیدهئی دارد در این تردید نیست که ما نسبت با اصول کلی هماهنگ هستیم وحدت مملکت، نیرومندی مملکت باس شاهنشاهی ایران سیاست نسبت با اصول انقلاب، اینها خواستههای عمومی ما خواستههای عمومی همه ملت ایران است (صحیح است) ولی بیشک در مواردی اختلاف نظر داریم، اگر اختلاف نظر نبود که در احزاب مختلف قرار داشتیم اگر اختلاف نظر نبود که در گروههای مختلف قرار داشتیم، پس باید این موارد اختلاف نظر روشن بشود، معلوم بشود، یکی از موارد اختلاف نظری که بطور قطع تا این مرحله حزب پان ایرانیست احساس میکند که با حزب ایران نوین دارد یکی از اختلاف نظرهای قطعی که ما با طرز کار حزب اکثریت و نظام اداری حزب اکثریت داریم اختلاف نظری است، که مادر باره نحوه نظارت در آمدوز بنه مملکت داریم، این يك اختلاف نظر قطعی است، ممکن است آقایان و افعال دلائل وجهانی داشته باشید این دلائل وجهات را توضیح بفرمائید ولی بهر حال نظر حزب پان ایرانیست اینست که در مملکت باید يك مرکز واحد يك قدرت واحدی وجود داشته باشد که بر تمام امور مالی مملکت نظارت بکنند باید يك مرکز واحدی وجود داشته باشد که همه کوششهای مربوط به درآمد مدهز بنه مملکت را ارشاد و نظارت بکنند و تاکنون دیده ایم اسم این مرکز و محل وزارت دارائی بود میگوئید وزارت دارائی نباشد خیلی خوب يك جای دیگر را درست کنید اسمش را بگذارید مثلاً وزارت نظارت اما واقعاً این حق نظارت و این حق بررسی را بان مرکز خاص ببخشید (صحیح است) بهر حال چیزی که میتوانم عرض کنم این است که مدتی است بر اثر نظم خاص مالی که حزب اکثریت ایجاد کرده در واقع وزارت دارائی در جلد و سنگر خودش قرار ندارد، وزارت دارائی باید در جلد خود قرار بگیرد. باید حق نظارت لازم را پیدا کند

باید این مقررات نافذ اصول را تغییر داد (صحیح است) و واقعاً این وزارتخانه را آنطور که باید تبدیل کرد بيك مرجع نظارت کننده ای در ضمن بررسی گزارش بيكساله سازمانهای دولتی بر خورد کردم به گزارش بيكساله سازمان امور داری و استخدامی کشور منعکس است بودجه این سازمان در سال گذشته ۱۳۰ میلیون ریال بود و طبق رقمی که در ردیف بودجه سال ۴۸ ديدم افزایش پیدا کرده به ۱۳۸ میلیون و ۴۵۰ هزار ریال خوب حال بیستیم و واقعاً این سازمان در این بيكسال گذشته با اصولاً در مدت بيك میگذرد از زمان تاسیس و بنیادگذاری آن چه کرده؟ چه مقتضیات و مشکلاتی را توانسته است حل بکند و با حداقل خود سازمانهای دولتی تا چه میزان نظامانی را که این سازمان با مقررات مربوط با وضع کرده است پذیرفته اند و خود را مشمول آن مقررات قرار داده اند؟ از مهمترین امور بيكساله انگیزه تاسیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور بود وضع قانون جدید استخدام بود این قانون جدید استخدام را حزب اکثریت بيكی از افتخارات دوره حکومتی و قانونگذاری خود چراغ عنوان کرده نمیدانم خانه ها و آقایان این عقیده را دارند؟ بيك نوع حالت سکوتی بخود میگیرند؟ حق هم هست چون اصولاً بیستیم از تاریخی که این قانون با آنهمه تلاش با آنهمه بحث و سخن با آنهمه گفتگو و با آنهمه تبلیغات و حمایتی که از طرف حزب اکثریت شد وضع گردید تا کنون حداقل سازمانهای نظام اداری حزب اکثریت خود معتقد بدستی و صحت این قانون نیستند (صحیح است) بچه دلیل؟ بدلیل اینکه غالباً کوشش میشود خود را از مشمول مقررات قانون استخدام خارج کنند انگیزه تقبیل لایحه با اصطلاح واحد مقررات استخدامی کشور و وضع قانون واحد استخدام کشور چه بود؟ انگیزه این بود که در چندین سال گذشته که غالباً مربوط به حوادث و نابسامانی و تشتت های بعد از سوم شهریور ماه بود، بيك نوع مقررات مختلف سنت های مختلف و نظامات مختلف اداری بوجود آمد هر دستگاهی برای خود مقررات خاصی داشت، هر دستگاهی برای خود اشل حقوقی خاصی داشت هر دستگاهی مزایا و پاداش های خاصی برای کارمندان داشت و گفته شد و این درست است که بيك چنین نازرتیسی

اساس تبعیض اداری را بوجود آورد گفته شد و درست هم گفته شد که بيك چنین نازرتیسی سازمانهای اداری ما را از روش های مشخصی خارج کرد و نفر با بيك تخصیلات، با بيك خصوصیات از پشت ميز بيك دانشکده بر میخواستند بسوی سازمان های دولتی میآمدند، بيکی در سازمانی استخدام میشد با حقوقی اندک آن دیگری در سازمان دولتی دیگر استخدام میشد با حقوقی سرسام آور، چنین وضعی نه تنها سازمانهای اداری را منضبط نمیکرد بلکه اساس تبعیض بزرگ و اساس ایجاد باس و ناهمبندی بزرگ بدون چون و چرا بود چون باید انقلاب اداری صورت بگیرد برای اینکه انقلاب اداری صورت بگیرد ما باید دقیقاً ریشه های نابسامانیها را بشناسیم، ما باید دقیقاً تاریخچه گسایش سازمانهای اداری را بسوی نابسامانی بشناسیم، ما باید آنچه را که میخواهیم مورد انقلاب قرار بدهیم بشناسیم، این بررسی باید صورت گیرد تا بیستیم این موارد چه بوده قانون استخدام کشوری آمد با این آرمان که همه این تبعیضات را از بین ببرد، مقررات واحدی در سازمانهای اداری مملکت مستقر بشود، کارمندان دولت را، آقای دکتر بزدان پناه فرق نمیکند چه آن کسیکه در اداره ثبت هست و چه آن کسیکه در شرکت منطقه ای آب و برق است من این هر دو را کارمند می شناسم با عنوان اینکه آن شرکت بازرگانی که نمیشود این خصوصیت را از او گرفت (صحیح است) کارمندان دولت یعنی کسانی را که سازمانهای دولتی میروند کسانی را که بقوه مجریه میروند اینها را از بيك حقوق و مزایا و مقررات واحدی بر خوردان بکنید و آقایان اگر شما این قانون استخدامی کشور را بر اساس این آرمان تصویب میکردید و دقیقاً بر اساس این قانون اجرا میکردید انقلاب اداری انجام شده بود (صحیح است).

قاضی زاده - جناب آقای یزشکیور این مطلب را تذکر میدهم که همین دولت حاضر (دکتر طالع - بفرمائید پشت تریبون صحبت کنید) چنان رفع تبعیضی در بین کارمندان دولت کرده است که مادر در هم چنین رفع تبعیضی نکرد.

یزشکیور - متأسفم جناب قاضی زاده جناب عالی که بيك مدت ذبیر کارمندان لیسانسیه بودید (قاضی زاده

و بلزهم هستیم) و باز هم هستید خواهش میکنم جناب عالی به اشل حقوقی بيک لیسانسیه در اداره ثبت و بمیزان حقوق بيک لیسانسیه فرض بفرمائید در شرکت آب و برق خوزستان مراجعه بفرمائید تا ملاحظه بفرمائید چه اختلاف فاحشی بین این دو هست (قاضی زاده - از نظر اشل اختلافی نیست) (دکتر صدر - تقصیر مادر دهر است) علمی ایجاد قانون استخدام کشوری بر این اساس و بر مبنای این آرمان بوجود آمد که تبعیضات، اختلافات، نابسامانی ها و لامیان سازمان های مختلف اداری و ثانیاً میان کارمندان هر بيک از سازمانهای اداری از بین برود، متأسفانه قبل از هر چیز خود قانون استخدام کشوری این کار را نکرد با معاذیر و بدلا بلی همانطور که میدانید بسیاری از سازمانهای دولتی را از مشمول قانون استخدام کشوری در هنگام وضع قانون استخدام خارج گردانید من میدانم بيك مقدار توضیحات پشت سر هم داده خواهد شد مطالبی بیان خواهد شد که فلان قسمت شرکت است فلان قسمت سازمان انتفاعی است و نمیتواند مشمول مقررات قانون استخدام کشوری باشد فلان قسمت سازمان بیمه های اجتماعی کارگران است فلان قسمت سازمانی است دیگر از آن قبیل و این را نمیتوانیم مشمول مقررات قانون استخدام کشوری بکنیم، بيك مسأله دیگر را عرض کنم راجع به نمیشود و نمیتوانید تا زمانی که نشود و نتوانید انقلاب اداری انجام نخواهد شد (صحیح است) این بيکی دیگر از موارد اختلاف ماست تا زمانی که این کار نشود و ریشه های این تبعیض ها سوزانده نشود و اساس این تبعیض ها و تباین ها و تضاد سازمانهای اداری درهم ریخته نشود و مقررات و قانون واحد نظم واحدی را بر سر نوشت تمام نیروهای انسانی از ملت ما که در سازمانهای اداری بهر کیفیت که باشند استقرار ندهد انقلاب اداری و عدالت اداری اجرا نخواهد شد با تمام اینها، متأسفانه بعد از آنکه این قانون وضع شد، بعد از آنکه سازمان امور اداری و استخدامی کشور که با اصطلاح محل تمرکز و نمیشد امور استخدامی کشور هست بوجود آمد خود خانها و آقایان آگاه هستند که همچنان لایحه پشت لایحه آمد که بعضی از سازمانها خود را از مقررات قانون استخدام

کشوری خارج کردند این سؤال پیش می‌آید که اگر آن قانون استخدامی لازم نبود، اگر ضرورت زمانی و اجتماعی برای آن قانون لازم نبود چرا وضع شد؟ چرا سازمان امور استخدامی و اداری کشور بوجود آمد و اگر اجرای آن مقررات ضرورت داشت، اگر تمرکز امور اداری و استخدامی کشور در بزرگ سازمان واحد ضروری بنظر می‌رسید چرا خود شما مدام این مقررات را میشکندید و مستثنیاتی وارد می‌کنید و تا آنجا که دیده‌ایم استثناء در بزرگ مورد باید باشد و اخیراً این روالی شده که مستثنیات غالباً بر محیط اجرا و اعمال اصول و حکم کلی افزونی پیدا کرده احکام و اصول کلی شده مستثنیات و آن مستثنیات غالباً شده حکم کلی و این از مواردی است که عرض می‌کنم و اطمینان دارم هر یک از خانها و آقایان عضو اکثریت هم در اعطاق دلشان با من هماهنگ هستند و وقتی خارج در این کردورها مذاکره می‌کنیم هم‌دردی‌های شما را حس می‌کنم که مشکلات را می‌بینید عرض من این است که شما یک‌بار که این مشکلات را می‌بینید اینها در واحد و مجموعه حزب قرار بدهید و ببینید تا همانطور که آرزوی ماست برآستی شما در پاسداری انقلاب حزبی موفق باشید (عده‌ای از نمایندگان - هستیم) و بتوانید پیروزی باشید (عده‌ای از نمایندگان - هستیم) و بتوانید رسالت‌های خودتان را انجام بدهید من عرض کردم بعنوان یک عضو گروه پارلمانی یا نماینده آرزوی من اینست که شما در اجرای برنامه‌های خود بعنوان یک حزب موفق باشید (ابلیخانی پور - خیلی هم موفق هستیم) اگر فکر کنید موفق هستید آنوقت این مشکلات را نمی‌بینید مشکلات را حس نمی‌کنید و آنوقت برآستی حزب پاسدار انقلاب نخواهد بود میدانید شاهنشاه چرا فرمودند حزب پاسدار انقلاب یکبار هم عرض کردم در واقع وظیفه این حزب را مشخص فرمودند نه اینکه چنین عنوانی را باین حزب داده باشند (عده‌ای از نمایندگان صحیح است) فرمودند حزب پاسدار انقلاب یعنی وظیفه شما پاسداری از انقلاب است (دکتر خزائلی - شما نمیتوانید مفسر باشید) اگر باین مفهوم توجه بشود واقفاً این حزب در بزرگ تلاش همیشگی خواهد بود و این وظیفه بیش از سایر احزاب متوجه آقایان است (ابلیخانی پور -

وظیفه‌اش را بسیار خوب انجام خواهد داد) علی‌ایحال همچنان با لوابجی سازمانهایی را از مشمول مقررات قانون استخدام کشوری مستثنی کردید و در نتیجه سازمان امور اداری و استخدامی کشور دیگر آن قاطعیت لازم، آن حق اعمال نظارت سلازم را برای تمشیت امور استخدامی ندارد. ما قانون استخدامی کشور را یک قانون کامل که میدانیم هیچ ایرادات بسیاری هم بر آن وارد میدانیم سازمان امور اداری و استخدامی کشور را باین کیفیت یک سازمان کاملاً مفید و متناسب نمیشناسیم اما یک چیز بگوئیم حال که این سازمان را ایجاد کردید و سازمان امور اداری و استخدامی کشور بهر حال یکی از تأسیسات دوره حکومت حزب ایران نوین است پس بیاید بهمین سازمانی که خودتان ایجاد کردید قدرت لازم را بدهید اختیارات لازم را بدهید حق نظارت لازم را در امور اداری با بدهید و یکی پس از دیگری این حق را از او بگیرید در گزارشی که این سازمان داده است نسبت بشکایاتی که از بدو تأسیس شوزای سازمان اداری و استخدامی کشور رسیده آماری ذکر شده است. این آمار جالب است این آمار نشان میدهد که این شکایات به چه میزان است این آمار نشان میدهد که بهر حال بادر مقررات قانون باید نحوه اجرای قانون مشکلات بسیاری وجود دارد که این مشکلات میبایست برطرف بشود در آنجا ذکر شده است که ۷۳۹۴ شکایت باین شورا وارد شده که از این ۷۳۹۴ شکایت ۳۲۴۲ شکایت رسیدگی شده و ۲۰۴۳ شکایت در دست رسیدگی است باین نکته عنایت دارند همکاران گرامی چون غالباً برخی از این شکایات می‌آید برای ما و ما بهتر نبی فرستاده‌ایم به سازمانهای مربوط و یا غالباً به کمیسیون عریض این شکایات غالباً شکایات دسته جمعی است یعنی شکایاتی نیست که از طرف فرد فرد کارمندان آمده باشد شکایاتی است که از طرف گروه‌های کارمندان آمده گروه‌هایی دچار وضع خاصی بودند بی‌عدالتی‌های را حس میکردند از نظر وضع آینده استخدامی خودشان ابهاماتی را حس میکردند و شکایت کرده‌اند باین سازمان من فکر

نمیکردم که تعداد شکایات باین حد و باین رقم باشد یعنی ۷۳۹۴ شکایت پس معلوم است مواردی هست که همانطور که عرض کردم قانون ابهامات و اشکالاتی دارد که حتماً دارد و وجود این سازمان و وظایفش را بنحو دقیق انجام نمیدهد (دکتر خزائلی - توجه بفرمائید که عوامل انسانی را باید در نظر گرفت) علی‌ایحال وضع کارمندان ما وضع بدیده شدن قانون استخدامی و تمشیت امور استخدامی کشور ایجاب نمیکند که بعد از این مدت هنوز ۲۰۴۳ شکایت باشد که در دست رسیدگی باشد یعنی تعیین تکلیف نکرده باشند یعنی وضع این گروه عظیم را روشن نکرده باشند یعنی به مشکلات اینها رسیدگی نکرده باشند با این آماری که این سازمان داده است بنظر من در این قسمت یعنی در پیاده کردن مقررات قانون استخدام کشوری و در رفع ابهامات و وظایف خود را انجام نداده است آن کارمندی که بسازمان امور استخدامی کشور شکایت میکند مشکلاتی دارد زندگی و سرنوشت او، زندگی زن و فرزندان او مربوط است باینکه وضعش روشن بشود چرا باید تا کنون ۲۰۴۳ شکایت باشد که هنوز در دست رسیدگی باشد؟ این فرمول انقلابی نیست که ۲۰۴۳ شکایت در دست رسیدگی است فرمولی است که میدانیم در سازمان‌های دیرین اداری بآن برخورد میکردیم هر جا مردم میرفتند، شکایتی داشتند نظمی و مشکلی داشتند سؤال میکردند که چه شد؟ پاسخی این بود که در دست رسیدگی است سازمان امور اداری و استخدامی کشور که سازمانی نو هست و میخواهد وضع استخدامی کشور را تمشیت بدهد و سؤال اجرای انقلاب اداریش کرده‌اید او نباید یک چنین فرمول‌هایی را برابر مردم فرستد بدهد و مجلس شورای ملی را با چنین گزارشی مواجه کند، ۲۰۴۳ شکایت در دست رسیدگی است باین رقم دیگری برخورد میکنیم که بنظر من عجیب‌تر هست زیر عنوان زالف، تمشیت امور استخدامی کشور رسیدگی برنوشت احکام استخدام آزمایش ترفیع، تغییر کرده خروج از خدمت و انتصابات جمعاً ۱۵۶۰۵ حکم وارد شده چند حکم بررسی شده؟ ۷۱۰۴ حکم چند حکم در دست رسیدگی است؟ ۸۵۰۱ حکم (دکتر طالع - بسیار کار انقلابی انجام

دادند) یعنی سازمانهایی متعدد وزارتخانه‌های متعدد کارمندان متعدد مدتی است که چنین وضعی دارند و اکثریت این احکام و تعیین تکلیف این احکام در دست رسیدگی است این فرمول در دست رسیدگی را از این گزارش‌های اداری حذف کنید، این فرمول را از کارهای اداری حذف و خارج کنید، آن تحرک لازم و قاطعیت لازم و کوشش لازم را پیدا کنید، اینجا به حقایق آشنا می‌شویم و آن اینست که یک چنین ناسامانی‌ها یک چنین روش و شیوه‌هایی سبب شد که بهر حال در شرایطی همانطور که عرض کردم رهبری انقلاب ضرورت انجام انقلاب اداری را فرمان بدهند آقای دکتر کاظم زاده که مسئول این سازمان هستند و انقلاب اداری زیر نظر ایشان باید انجام بگیرد یک نشانه از میزان توجه بسا اعتقاد جازم ایشان به ضرورت انقلاب اداری این هست که در هنگامی که بهر حال بحث بود چه مطرح است و این بحث با سازمانهای اداری و انقلاب اداری و تحولات اداری که باید انجام بشود ارتباط دارد هنوز در این دو جلسه من توفیق پیدا نکرده‌ام ایشان را ملاقات کنم در اینجا وقتی در برابر پرسش یکی از همکاران عضو گروه پارلمانی حزب مردم توضیحاتی دادند گفتند که انقلاب اداری از همان زمانیکه در واقع حزب اکثریت حکومت را در دست گرفت آغاز شد یک چنین توضیحی نمیتواند توضیح درست و دقیقی باشد و آن اثر نامطلوب و تالی فاسدی را که دارد این هست که آنکس که وظیفه دارد بیش از دیگران به امر انقلاب اداری بپردازد معتقد است آنچه تا کنون در گذشته انجام شده انقلاب اداری بوده و درست بوده در حالی که چنین نبود اگر اینطور میبود چنین فرمانی داده نمیشد اگر امور اداری ما برحسب نظمی نو و مشخص و هماهنگ انقلاب میبود رهبری و فرماندهی انقلاب فرمان به انقلاب اداری نمیدادند (صحیح است) این مسئله هم جای تردید نیست که در همین ما جلوه‌ها و سنگرهای از فتودالیزم وجود داشت فتودالیزم ارضی بود که باین انقلاب درهم شکسته شد فتودالیزم ارتجاع سیاه بود که در سنگرهای مختلف رستاخیز شام و مردم قدرت دیرین او متزلزل شد و لسی یکی دیگر از جلوه‌ها

و نظامات دیرین حاکمه سنتهای فتوالمیزم اداری بود و معلوم بود که نظامات دیرین اداری نمیتوانست با انقلاب هماهنگ باشد چرا نمیتوانست چون مخلوق آن، نظامات آن در روزگاری بود که انقلاب برای خلق پیدا از آن نظام قیام کرد و آن سنتهای اداری و سازمانهای اداری ما بنحوی ایجاد شده بود و بنحوی آموزش تمشیت داده شده بود که آن نحوه کار هماهنگی داشت با حکومت خانها هماهنگی داشت با حکومت فتوالمهای بزرگ هماهنگی داشت با ناسامانی که در مین ما وجود داشت، چون اینها همان سازمانهای اداری بودند که آنچنان تنظیم شده بود که در هر یک از امور اساسی ملت و وطن ما آنها نه تنها وظایفشان را انجام نمیدادند بلکه غالباً در جهت عکس آرمانهای ملی و برنامههای ملی حرکت میکردند و گاه اینجا مباحثی مطرح میشود و بعضی از آقایان نکته‌هایی را میفرمایند، میگوئیم چرا افلان سازمان آن کار را انجام نداد، چرا آن وظیفه بزرگ را انجام نداد تا زمانیکه رهبر ملت ما بلزوم انجام آن امر تأکید فرمودند؟ میگویند که ما باید تعالییم و فرموده‌های شاهنشاه را اجرا کنیم، در این گفته تردیدی وجود ندارد ولی هرگز این چنین نیست که اگر مطالبی را که جزو وظایف اساسی سازمانها و وظایف هر یک از ارکانهای انقلاب است اگر با آنها رهبر انقلاب اشاره فرمودند آن سازمانها و ارگانها خودشان را بری از ایفای آن مسئولیتها بدانند این درست نیست، این عبارت است از یک نوع سلب مسئولیت و این چنین سلب مسئولیت هم آهنگ با انقلاب نیست و این چنین تفکری برای سلب مسئولیت هم آهنگ با عصر انقلاب نیست (صحیح است) و الامامی بنیم بسیاری از سازمانهای اداری و مسئول در هر یک از امور ما فرض کنید در و در ایجاد صنایع ذوب آهن اینها غالباً نظرشان باشوید کارشان این بود که نمیتوانیم با آنها بدارای صنایع سنگین و ذوب آهن باشیم، اگر اینها وظایفشان را انجام داده بودند اگر اینها بیداری لازم را داشتند اگر اینها آرمانهای ملی را میدانستند ما چند دهه از انجام این امر بزرگ عقب نمیمانیم، اما چون آنها وظایفشان را انجام ندادند، چون آنها باین آرمانها توجه نداشتند بناچار بعد از انقلاب با آگاهی که رهبری انقلاب برداشتند

این آرمان بزرگ ملی تحقق پیدا کرده متأسفانه در غالب امور کلی مملکتی همین است و همین دلیل است که عرض میکنم در مواردی که می‌بینم انقلاب پیروز شده است در آن مواردی که می‌بینم پیروزیهایی بزرگی بدست آورده‌ام پیروزیهایی و موفقیت‌هایی بود که در سطح رهبری انقلاب انجام شده است (صحیح است)، امور انقلاب و پیاده شدن طرح‌های انقلاب وقتی از سطح رهبری انقلاب منتقل میشد بصف دستک‌های اجرایی و سازمانهای مسئول آنجا خصوصیت خودی را از دست میداد و این سازمانهای اداری تاب و توان پیاده کردن طرح‌های انقلاب را نداشتند و چون چنین نبود و چنین خلاقیتی احساس شد و چنین ناهماهنگی احساس شد و چنین نارسائی میان سازمانهای اداری و جنبش انقلابی احساس شد رهبری انقلاب در هنگام تشکیل نخستین اجلاس دوره ۲۲ قانونگذاری ضمن آن بیام فرسان بلزوم انجام انقلاب اداری دادند، پس عرض من این است که آقای دکتر کاظم زاده با سازمان‌هایی که مسئول اجرای انقلاب اداری هستند، شما باید ناسامانیها و ناهم آهنگی‌ها و تمام آن معایب و منقصات‌های سازمانهای اداری را پیدا کنید و ببینید اگر نخواهید، انقلاب اداری را نمیتوانید پیاده کنید، کما اینکه تاکنون نشده است، کنگره انقلاب اداری که در ۷ بهمن سال ۴۶ تشکیل شد ۱۸۸۸ بهمن کارش را ادامه داد، اکنون ما در زمانی قرار داریم که بیشتر از یکسال از تاریخ تشکیل کنگره انقلاب اداری میگذرد، نظر آقای دکتر کاظم زاده مسئول امور انقلاب اداری بر اینکه انقلاب اداری از همان زمان آغاز شده بود در نتیجه شاید دیگر ضرورتی با ایجاد انقلاب نباشد درست نیست چرا درست نیست بدلیل همین کنگره انقلاب اداری که دولت تشکیل داد در سال ۱۳۴۶، بدلیل سمینار انقلاب اداری که حزب ایران نوین تشکیل داد، آقای مهندس ارفع سمینار انقلاب اداری را برای چینی تشکیل دادید؟ برای اینکه ناسامانیتهایی در سازمانهای اداری دیدید برای اینکه پس از مدتها که سخن گفته شد بفرکان این افتادید که درباره انقلاب اداری بررسی کنید، اصول و موازین انقلاب

اداری را پیدا کنید، راه‌های اجرای انقلاب اداری را پیدا کنید، پس حزب اکثریت سمینار انقلاب اداری را تشکیل داد، شما که بظاهر کار عبث و بی‌منطق نمیکنید، تشکیل سمینار انقلاب اداری دلیل این بود که حزب اکثریت متوجه شد نوعی ناهم آهنگی در سازمانهای اداری با انقلاب اجتماعی ایران وجود دارد، و این مدلل این معنی بود که حزب اکثریت عقیده داشت که سازمانهای اداری با اصول انقلاب هم آهنگی ندارند و نمیتوانند پایه‌های انقلاب را روی شانه‌های خودشان بگذارند و جلو ببرند، بهمین دلیل بود که من این اقدام حزب اکثریت و تشکیل آن سمینار را در اینجا ستایش کردم (احسن است) زیرا فکر کردیم حداقل باین مفهوم رسیدید که بعد از چند سال حکومت باید اساس سازمانهای اداری را بهم بریزید و سازمانهایی شایسته انقلاب ایران پایه‌گذاری کنید، در آن سمینار این بحث‌ها را کردید و قطعنامه‌ای هم دادید قطعنامه از جهات بسیار خالص بود، سؤال من این است که شما حزب اکثریت، شما که اکثریت مطلق در مجلس دارید، شما با تمام امکاناتی که در این زمان خاص وجود آمده است، شما در سمینار حزبی یک قطعنامه برای انقلاب اداری تصویب کردید، بعد از بررسی‌های مختلف کنگره اداری تشکیل شد از طرف دولت حزبی، در نتیجه دولت حزبی جز این نمیتوانست باشد که خود معتقد به ناسامانیتهایی در سازمانهای اداری بود و پس از بررسی‌های زیاد کنگره قطعنامه‌ای داد و بفرمائید از آن هنگام تا حال یعنی از بهمن سال ۴۶ تا حال چه اقداماتی در زمینه اجرای قطعنامه سمینار انقلاب اداری شده است؟

مهندس ارفع - آقای یزشکیور بنده هیچ علقه ندارم که بین الاثنین صحبت بشود و سخنان شیرین شماره قطع کنم ولی چون روی سخن با من بود باید عرض کنم که رهبر یک شبه ساخته نشده و آنچه که با نیروی انسانی سر و کار دارد لازم‌هاش زمان است البته ناطقین بعدی ممکن است توضیحات بیشتری بدهند.

پزشکیور - خیلی باعث تشکر است که شما در مقام لیدری کرده پارلمانی حزب ایران نوین نظر بانان را فرمودید در برابر این پرسش من، پرسش من این بود

که برای اجرای قطعنامه سمینار انقلاب اداری حزب ایران نوین در این یکسال چه شده، جناب عالی فرمودید که یک شبه فوج تشد (مهندس ارفع) - عرض کردم ساخته نشد) ساخته نشد، مفهوم مخالفش این است که زمان بیشتری لازم دارد علی‌الاجال یک نکته‌ای را میخواهم عرض کنم، این را با تمام صمیمیت عرض میکنم، با تمام اعتقاد این مطلب را بیان میکنم که مطمئن باشید اگر بخواهیم با این روحیه کار کنیم یعنی گذشتن ۵ سال را از تاریخ حکومت حزب ایران نوین که چیزی کمتر یا بیشتر است زمانی کوتاه برای ایجاد انقلاب اداری نشناسیم هرگز این انقلاب را نمیتوانید انجام دهید (دکتر طالع) - عمر نوح میخواهد، انقلاب تحریک و قاطعیت لازم دارد، اگر قرار بود مسئله نیروی انسانی و اینکه نیروی انسانی میتواند عاملی برای چنین مدت طولانی از زمان باشد اصل باشد پس باید تاکنون انقلاب اجتماعی ایران در مراحل ابتدایی در جاذبه باشد این است که عرض میکنم مجریان انقلاب، سپاهیان انقلاب و پاسداران انقلاب باید از اصول و روش‌های فرماندهی انقلاب درس بگیرند، خصوصیات فرماندهی انقلاب اجتماعی ایران در قاطعیت و سرعت آن است اگر این قاطعیت و سرعت نبود ما هرگز نمی‌توانستیم از تار و پود و زنجیرهای فتوالم نجات پیدا کنیم، اگر این قاطعیت نبود نمی‌توانستیم نظم اجتماعی را در شئون مختلف پیاده کنیم، آقایان من باین همه تأنی ابرار دارم، یک چنین تأنی را من متناسب با زمان انقلاب نمی‌بینم یک چنین تأنی فرصت‌های تاریخی را برای برقراری و ایجاد یک نظم انقلابی از دست خواهد داد و نتیجه شاید چنین روحیه و سلیقه‌ای بوده است، من خیلی راغب هستم یعنی همه راغب هستند، ملت ایران منتظر است حال که بودجه ۴۸ مطرح است و یکسال از بودجه سال گذشته، سپری شده است و یکسال از تاریخ تشکیل کنگره انقلاب اداری گذشته است بطور قطع همه خواستاران انقلاب منتظر هستند که ببینند حزب پاسدار انقلاب و دستک‌های وابسته به حزب پاسدار انقلاب برای اجرای انقلاب اداری و اجرای قطعنامه حزب اکثریت چه کرده است؟ (مهندس

می شود اولین ستاره که می آید روی دوشش میدانند چند سال باید خارج از مرکز خدمت بکنند، میدانند اگر خیلی استعداد داشت و دارای نبوغ خاص بود ایشان را یکباره نمی آورند یک پست سر لشکری باو بدهند. اگر نبوغ داشت، آئین نامه های هست که در یک درجه یا دو درجه بالاتر میتواند باشد. میدانند اگر چند سال خارج از مرکز خدمت کرد دیگر حقتش است، می تواند بیاید و در مرکز خدمت کند. میدانند اگر در دانشکده زدیف اول تا چندم بود می تواند هر منطفه ای را که بخواهد برای خودش و برای خدمتش انتخاب کند. میدانند حقوقش چیست، میدانند ردیف حقوقش چیست، خواه این شخص مهندس در ارتش باشد خواه رشته های تخصصی دیگر را دیده باشد، خوب ملاحظه می فرمائید که یک سازمان منضبط و منظم اداری است، من عرض میکنم چرا این اصول را نمیتوانیم در سازمانهای کشوریمان اجرا نمائیم؟ آنوقت هم، این طرز کار ما است، میگویند نمیتوانیم متخصص جذب کنیم اما در تمام مسائلی که پیش می آید، در همین سلیهای ویران کننده ای که پیش آمد واقعا گواهی میدهد که کدامیک از سازمانها بیشتر بمردم خدمت کرده اند، سازمانهای ارتشی با سازمانهای کشوری (یکی از نمایندگان - آقا) گرفته بسته میشود ارتش باز میکنند) این برای چیست؟ برای اینکه نظم اداری آن تشکیلات طوری نیست که کسی را صرفاً بسائقه حقوق بیشتر به محل خدمتش فرستند و یک انضباط و عدالت اداری هست، اینست آن نکته ای را که قبلاً عرض کردم، تشریف نداشتید جناب خسروانی همه مابک مسوولیت های مشترک داریم ولی در یک مورد از انقلاب هست که فقط حزب ایران نوین مسوول محض است و آن انقلاب اداری است بلحاظ اینکه امکانات حکومتی را دارد، بلحاظ اینکه پایگاهی را دارد که باید این برنامه را اجرا کند و اجرای این برنامه ها بدون اجرای اصل عدالت ممکن نیست و اجرای اصل عدالت اداری مستلزم اجرای اصل عدالت مالی است، بیعدالتیها چرا ایجاد شد؟ برای اینکه مدام آمدید بموجب لوایح مختلف قسمتی از سازمانهای اداری را بصورت مؤسسات انتفاعی و با شرکت های بازرگانی در

آوردید آنها اجازه دارید که به نشینند، هر کیفیتی که میخواهد تعیین حقوق بکنند، هر کیفیت که بخواهند تعیین مزا یا بکنند و بدیهی است این روش عدالت اداری را از بین برده است در حالیکه اگر تحت نظامات و ضوابطی بود چنین وضعی ایجاد نمیشد و در مورد این موضوع در واقع پرداخت دستمزد و پاداش و حقوق و مزایای واحد یا متعادل حداقل نیست بخدمات واحد یا بدحتی آنچه انچه تمهیدات و برنامه های در نظر گرفته شود که بخش خصوصی هم نتواند بهره کس، بهره مقدار کس میخواهد حقوق بپردازد (صحیح است) بدیهی است این مشکل بزرگی خواهد بود، وقتی سازمانهای دولتی نخواهند به متخصصین در یک سطحی پرداخت حقوق بکنند نسبت به خدمات ولی بخش خصوصی حق داشته باشد بدون هیچگونه نظارت در هر سطح و بهره مزا اینکه میخواهد حقوق به متخصصین بدهد بخش دولتی نخواهد توانست جذب عوامل متخصص را بکند و این هم امروز یکی از مشکلات بزرگ ماست، این آن بیعدالتی را ایجاد میکند که توالی امور و برنامه ها را از بین میبرد (حی) - هماهنگی را از بین میبرد) بلی هماهنگی را از بین میبرد، بهم حال در این مورد ما تنها نظرمان نسبت به سازمانهای دولتی نیست بلکه اصولاً قائل با این مسئله هستیم که واقعا اگر بخواهیم عدالت اجتماعی بمفهوم اساسی آن استقرار پیدا کند و سازمانهای اداری ما کادرهای خود را از دست ندهند باید ضوابطی داشته باشد، باید ضوابطی مشخص باشد که حتی بخش خصوصی هم نتواند از آن ضوابط یا فراتر بگذارد، بدیهی است در این صورت وضعیتی ایجاد خواهد شد که دیگر در آن وضع کسی احساس تبعیض نمیکند. شما آقای معاون پارلمانی وزارت آموزش و پرورش که اینجا تشریف دارید یکی از مشکلات بزرگ شما چیست؟ اینکه مدام دبیران میخوانند از سازمان وزارتخانه شما خارج بشوند، این مشکل شماست آقای دکتر بطحائی؟ بخصوص دبیرانی که در رشته علوم تحصیل کرده اند، برای چه؟ برای اینکه آن خدمتی را که آنها در وزارت آموزش و پرورش ارائه میکنند، دستگاههایی هست که این خدمات را با مبالغ خیلی بیشتر میخرند شما اگر بخواهید با آن سازمانها مقابله کنید چقدر

میتوانید جناب آقای دکتر آموزگار به بودجه وزارت آموزش و پرورش اضافه کنید؟ اینکار ممکن نیست، اینست که امروز یک مشکل بزرگ در آموزش و پرورش ایجاد شده که مدام عناصر متخصص، عناصر کاروان این وزارتخانه کارهای آموزشی را ترک می کنند (پردلی - مدیریت هم در وزارت آموزش و پرورش نیست) علی اجمال این یک مسئله اساسی و مهم است جناب مهندس روحانی که فرمودید عیبش چیست؟ الان یک مطلب دیگر را عرض میکنم، عیبش این است که چنین وضعی ایجاد بشود، و حالا موارد دیگر بپردازم. الان چرا وزارت دادگستری با مشکل جذب کادر قضائی روبروست، برای چه؟ برای اینکه لیسانسیه حقوق که می آید وزارت دادگستری می بیند آن لیسانسیه دیگر که با سازمان آب و برق منطقه ای خوزستان رفته است چند برابر، حقوق میگیرد، امکانات بیشتری دارد و تسهیلات بیشتری برایش فراهم است از این جهت از آمدن بوزارت دادگستری خودداری میکند، البته من هرگز نمیگویم حقوق و مزایای کارمندان این وزارتخانه را افزایش بدهید مگر تا کجا باید رفت؟ ولی عرض میکنم این حقوق و مزایای بیش از حدی را که برای کارمندان برخی از مؤسسات و سازمانهای دولتی میدهد ایجاد یک نوع بیعدالتی میشود آنها را معادل با دیگر سازمانها نمیدانید برای متخصص بنابه سابقه خدمتی اش نه صرفاً بلحاظ جذب درآمد بیشتر خدمت کند و تا این امر مهم صورت نگیرد آقایان انقلاب اداری نخواهد توانست تحقق پیدا کند، من توضیح میدهم که چه باید بکنیم، یعنی اصول انقلاب اداری چه خواهد بود؟ اگر یکی از آقایان اظهار لطف فرمودند و پاسخی بیان فرمودند تنها بد ذکر کلیات عنایت نفرمائید، مدام از اصول کلی انقلاب نفرمائید، که در آن تردیدی نداریم از اصالت انقلاب نفرمائید، ما در آن تردیدی نداریم و واقعا معتقد هستیم که این اصول باید اجرا شود تا انقلاب اداری تحقق پیدا بکند اگر هم احیاناً این نظر را ندارید و اعمال این اصول بنظرش برای تحقق انقلاب اداری ضرورت ندارد آنهم خوب منطقی است! متأسفانه در این مورد من

جلوه ای از نابسامانی اداری را شناختم و بهر حال انقلاب اداری باید به این مورد هم توجه داشته باشد که بکنوع عدم احراز مسوولیت و با بکنوع عدم استقرار تمرکز لازم در سازمانهای اداری وجود دارد، غالباً هر یک از سازمانهای اداری که بموجب یکی از این قبیل قوانین مستثنی از امور مالی و امور استخدامی و مقررات و ضوابط کلی مملکتی شده اند اینها تبدیل به سازمانهایی شده اند که نظارت دقیق نسبت به آنها صورت نمیگیرد و بکنوع تمرکز تشکیلاتی در مورد اینگونه سازمانها احساس نمیشود آنگاه همینطور می نشینیم و یکباره می بینیم که بخاطر آن نابسامانی بخاطر آن عدم نظارت و عدم کنترل، بخاطر آن عدم هماهنگی، هفتاد و دو میلیون تومان در بودجه عمومی برای شرکت واحد اتوبوسرانی میدهند! گزارش را بررسی میکنیم می بینیم در یک زمانی آمده اند انواع مختلف سازمانها و مؤسسات مستقل را تشکیل داده اند که وقتی بررسی میکنیم می بینیم همه اینها دارای وظایف متشابهی هستند، با وظایفی برای آنها در نظر گرفته شده است که سازمانهای دیگر بخوبی میتوانند انجام دهند و به این جهت در کار سازمانهای اداری که منظور من بطور مطلق است که اعم از وزارتخانه ها و مؤسسات انتفاعی دولت و شرکت های بازرگانی با سرمایه دولت هست که بیشتر این مورد ناظر به مؤسسات انتفاعی و شرکت های بازرگانی است که غالباً بر خوردها، تضادها، دوباره کاریها دیده میشود این یکی از این نابسامانیهاست. انقلاب اداری باید این وضع را از بین ببرد، این آشفتگی در برخی از سازمانهای اداری را از بین ببرد و اگر این آشفتگی از بین نرود، اگر این تمرکز ایجاد نشود، این تعارض، این دوباره کاری بیشتر خواهد شد و روزی خواهد شد که آنوقت دستگاههای مسوول که در سطح بالا باید نظارت کنند، هرگز نظارتی بر آن سازمان های پراکنده نخواهند داشت و آنوقت است که با مشکلات فراوان روبرو خواهیم شد، البته موارد را هم عرض خواهم

کرد در همین گزارش یکساله مواردی هست که این دوباره کاربهارا که بوضع اسفباری نشان میدهد. نکته دیگری که بطور قطع باید در انقلاب اداری ملحوظ نظر قرار بگیرد جذب آقای خسروانی و از مهم ترین اصول انقلاب اداری است قبلاً این نکته را بگویم که اصل از بین بردن روش برو کراسی و کاغذ بازی است و متأسفم بسیاری از قسمتهای همین گزارش را دیدم که این اصل اگر در سازمانهای اداری کنار گذاشته نشود. اگر اصل احساس مسئولیت اصل، انجام وظایف، نه منداب اسقاط تکلیف بلکه بگونه ایفای وظیفه، حداکثرین آن میشود آن ناسامانها ازین نخواهد رفت. یک نکته دیگر که بسیار مهم است و این مسئولیتش بیش از هر چیز متوجه حزب و دبیر کد محترم حزب ایران نوین است البته من میدانم فوراً جواب خواهند گفت که چنین نیست بسیار خوب ولی سعی کنید که بیشتر چنین نباشد (حی- همه کارها ختم میشود با ایشان) مطلقاً اینطور هست کسی که در رأس یک حزب هست نسبت به برنامهها و اقدامات حزب مسئولیت دارد و خوشبختانه من ایشان را همیشه برای قبول این مسئولیت در کنار حزب ایران نوین آماده دیده ام (صحیح است) چون اگر چنین فکر نمی کردم این مسائل را هم نمی گفتم و آن این است که حزب نباید در امور اداری نردبان هیچگونه ترقی باشد بهر حال باید اصل شایستگیها، اصل تخصص، اصل وظیفه شناسی، راهنمای تکامل اشخاص، راهنمای ترقی اشخاص در سازمانهای اداری و حتی غیر اداری باشد (مهندس عنتر- حزب باید پله نردبان ترقی اشخاص باشد) (دکتر صدر- سرور پزشکیور شما میخواهید حزب اکثریت را خالی کنید) ممکن است که در داخل حزب پله های ترقی این امر باشد اما منظور من این بود که در واقع وابسته به حزب بودن و شرط عضویت حزب پله ترقی در سازمانهای اداری نباشد این بیعدالتیهای اداری که عرض کردم سازمانهای اداری ما و بخصوص برخی از آنها را بمنصوص آن قبیل سازمانها

که بودجه عمومی افلام نزرکی بعنوان کمک با آنها داده شده کاریش مؤثرتر است (صحیح است) که وقتیکه میروید آنجا، میبینید دربان، منشی، سکرتر اطاق مخصوص منشی و اطاق مشاوره و تزیینات همه چیز هست که چه؟ یک دانشکده ای است، چه ضرورت دارد. متأسفانه این برنامهها و کس سازی در سازمانهای اداری ما همچنان در حال گسترش است یکی از وزارتخانه ها است، نام نمیرم، ساختمان این وزارتخانه از زیباترین یعنی اصیل ترین ساختمانهای است که در زمان شاهنشاه فقید ساخته اند، اطاقی که برای وزیر در آن وزارتخانه پیش بینی کرده بودند است خاصی یا آن اصالت خاصی که آن قدمت، آن عظمت، آن هماهنگی اش با وظیفه ای که آن وزارتخانه دارد حساس میشد، بعد شنیدم که تغییراتی در اطاق آقای وزیر داده میشود، وقتی رفتم آن اطاق را دیدم افسوس خوردم بر آن کج سلیقه ای، چه ضرورت داشت که آن فرشهای قشنگ را بگویم که تغییر کرده؟ چه ضرورت داشت این اقدامات را بکنند، این مسئله ساده نیست این مسئله در شکم بودجه هست، هست افلامی که برای این قبیل مصارف پیش بینی شده، اینها چه ضرورت دارد؟ این لو کس سازی حالت یک نوع هم چشمی را پیدا کرده، شما با فساد و ناسامانهای اداری میخواهید مبارزه بکنید، بگذارید آن کارمندان احساس کنند ببینند البته اگر وزیر وزارتخانه بدهد تا منشی احتیاج دارد هیچ حرفی نیست ولی من عرض میکنم که هیچ ضرورت ندارد زیر پای وزیر و زوایتخانه پر از فرش ترین فرش باشد، اگر میگویند این شأن مملکت است، اما شأن مملکت در این است که ببینند کاری میشود، کوشش میشود، برنامهها با وسعت اجرا میشود و همه در یک سطح از عدالت اداری برخوردار هستند. این برنامه لو کس سازی از یک طرف بین وزارتخانه ها و سازمانهای مختلف ایجاد تبعیض کرده، شما در یک شهرستان تشریف ببرید بسراغ یکی از ادارات قدیمی، باز نام نمیرم که این موضوع حمل بر یک نوع تعصب و توجه خاص نشود میبینید ساختمانهای مستحق، هیچ عیبی ندارد، میز و صندلی است سی سال بایست سال پیش باز هم هیچ عیبی ندارد، ایرادی ندارد ولی شما میروید یک سازمان دیگر میبینید از نوع قابل توجهی که لو کس و غیر ضروری برخوردار است،

این عدالت اداری نیست و مسلماً برای انجام انقلاب اداری باید این امر مبارزه بشود و نتیجه چه هست؟ وقتی در چنین شرایطی کارمندانی می آیند، نیروهای جوان می آیند، از سازمانها اداری ما چه میخواهند؟ اطاق خیلی مجهز میخواهند، وسایل لو کس میخواهند، انومبیل میخواهند، امکانات بسیار دیگر میخواهند تا گفته شود که ما در حال پیشرفت هستیم پس باید تمام این امکانات را فراهم کنیم، این امکانات در آن حدی که ضرورت دارد باید فراهم بشود در آن حدی که باید فراهم بشود که اگر فراهم نشود یک قسمتی از کار تعطیل میماند و الا بعنوان تفنن ولو کس درست نیست، (دکتر سعید- جناب پزشکیور جنابعالی که باقالتی که آن قیمت مخالفت میفرمائید آنجا هم که قالی را برداشته و موکت کرده با آنهم مخالف هستید پس معلوم نشد با کدام موافقت؟) آن قالی بود آن قالی موجود بود حالا باید بگویی بررسی بفرمائید تشریف بیاورید این تغییرات انقلابی را! در آن اطاق انقلابی به بینید، در این موارد دلبالی اقامه میشود و در واقع جوانان ما را فرزندان ملت ما را بدون سبب از نظری گناهکار معرفی میکنند و آن این است که این اقدامات این برنامهها برای خدمت این جوانان، برای دعوت اینها به کارهای اداری و با اجتماعی ضرورت دارد ولی من گذشته از مورد ارتش که مثال زدم یک مورد دیگر را بعنوان سازمانیکه واقعا یک سازمان انقلابی میتواند باشد و وظایف انقلابی خود را انجام میدهد و از لو کس سازی و تفنن بدر است و کارها را بر اثر احساس وظیفه انجام میدهد برایتان عرض می کنم یکبار دیگر هم متذکر شدم این سازمانها سپاهیان انقلاب هستند، سپاهیان انقلاب مگر در دورترین نقاط مملکت خدمت نمیکنند؟ سپاهیان انقلاب مگر از حسد اقل امکانات ضروری برخوردار نیستند؟ چرا در آن سازمانها خوب و درست کار میکنند، وظایفشان را با نهایت دقت انجام میدهند، وظایفشان را با نهایت علاقمندی انجام میدهند اما وقتی که تغییر وضع پیدا میکنند و در یکی از سازمانهای دیرین اداری قرار میگیرند دیگران حالت، آن، جاذبه، آن کشش، آن کوشندگی در آنها احساس نمیشود، برای چه؟ برای اینکه اصولی که عرض کردم در آن سازمانها بمعامل نمیشود. ما در سازمان سپاهیان انقلاب از تبعیض خبری

نمی بینیم، اگر امکانات بهداری و درمانی و بهداشتی هست بیک میزان برای همه هست، آنچه که در اختیارشان گذاشته میشود باز دانه و متعادل با ضرورت آن کار است که احساس میشود (حی - آنها دائمی نیستند موقتی هستند) یعنی میفرماید این اصول را در سازمانهای دائمی نمیتوانیم اعمال بکنیم چرا نمیتوانیم این اصول را در سازمانهای دائم اعمال بکنیم، اگر نتوانیم اعمال بکنیم واقعاً انقلاب اداری نتوانسته است تحقق پیدا کند.

رئیس - آقای پزشکپور جناب عالی صحبتتان خیلی طول دارد؟

پزشکپور - بلی هنوز عرضی دارم.
رئیس - بنابراین یک ربع تنفس داده میشود.
(در ساعت بازده و چهل دقیقه صبح جلسه بعنوان تنفس تعطیل و در ساعت ۱۱ و ۵۵ دقیقه مجدداً بر است آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید).

رئیس - آقای پزشکپور تشریف بیاورید.

پزشکپور - این بشارت هست همانطور که ملاحظه میفرمائید، کتابهایی که میآوردم اینجا خدمتتان که سه جلد است، این قطورترینش کنار گذاشته شده، بحث و بررسی که پیرامون انقلاب اداری و سازمانی که مسئول اجرای انقلاب اداری شده است و بررسی گزارشی که از این سازمان در این مجموعه گزارش یک ساله سازمانهای دولتی بود باین کیفیت پایان یافت و اصول و مواردش را بیان کردم و حالا به قسمت دیگری میپردازم گزارشی در این مجموعه برای وزارت کار و امور اجتماعی منعکس شده است یکی دیوار در ساحت مقدس مجلس شورای ملی پیرامون مسائل مربوط به وزارت کار و امور اجتماعی توضیحاتی را دادم، این گزارش را که من بررسی کردم باین نتیجه رسیدم که بسیاری از آن مسائلی که مطرح شده بود اینها نسبت به طرز کار یکساله ای که در این گزارش منعکس شده و مسأله روشی که در سالهای گذشته اعمال شده بود با یک وضوح و روشنی بیشتری مشخص شده، بطور قطع خانها و آقایان به این نکته عنایت دارید که وزلیت کار و امور اجتماعی از آن جمله وزارتخانههایی است که بخصوص در عصر انقلاب و برای پیاده کردن اصول انقلاب یک وظایف و حساسیتهای

خاصی دارد، این وظایف چه در قانون مربوطه وزارت کار پیش بینی شده است چه در قوانینی که بعداً بخصوص پس از آغاز انقلاب بتصویب رسیده و آن قوانین متضمن بعضی وظایف انقلابی برای وزارت کار است و بهر حال در شرایط خاصی از تاریخ وطن ما این وظایف پراهمیت وزارت کار مشخص میشود، شاید بدنبال احساس این وظیفه بود که عنوان وزارت کار هم بوزارت کار و خدمات امور اجتماعی تغییر کرد، یعنی کلیت بیشتری پیدا کرد از آنجا که صرفاً وزارتخانه ای نبود که به روابط محض از نظر کارگر و کارفرما رسیدگی کند بلکه شرایط خاص و انقلابی ایجاد میکرد که در واقع وزارت کار یک سلسله امور اجتماعی را نیز تصدی و نظارت کند و وظایفش یک چنین جامعیتی پیدا کرد. عنوان وزارتخانه وزارت کار و امور اجتماعی تبدیل شد؛ خوب واقعاً ببینیم این وزارتخانه مهم و حساس در سال گذشته بطور کلی و بخصوص در سال گذشته بکیفیتی که در این گزارش منعکس است به چه میزان توانسته این وظایف مهم را انجام بدهد؛ به چه میزان توانسته است این وظایفی را که برای پیاده کردن اصول انقلاب داشته است انجام بدهد؛ بطور کلی میشوید این وظایف را در چند مورد خلاصه کرد. ابتدا وظایف وزارت کار از نظر قانون کار و با مکلفات و منضعات قانون کار و پیاده کردن مقررات قانون بنحو انقلابی در زمینههای ضروری است این نخستین وظیفه ای است که وزارت کار بعهده دارد، یعنی باید قوانینش را اجرا کند، قوانین مربوط به کار را اجرا کند و بخصوص قانون مربوط بکار را بنحو انقلابی اجرا بکند با توجه بمقتضیات و شرایط انقلاب ما پیاده و اجرا کند، وظیفه دومی که وزارت کار و امور اجتماعی بعهده دارد. کنه بهیچوجه نمیشود این وظیفه را از آن منفک کرد وظیفه ارشاد و سیاست تأمین کار است. وزارت کار، آنهم وزارت کار در یک عصر انقلابی باید بتواند سیاست مربوط به ارشاد و تأمین کار را برای نیروهای وابسته بملک ایران اجرا کند، نظارت کند و دقیقاً بعوود اجرا بگذارد یعنی بهر حال هر گاه مسئله ای مطرح میشود بعنوان مسئله بکاری و کار پیدا نکردن عده ای آن مرجعی که باید این مسئله را

بررسی کند و روش های متناسب با تحولات اجتماعی و شرایط انقلابی را در نظر بگیرد که این مسئله را حل کند. وزارت کار و امور اجتماعی است. وظیفه دیگری که بموجب قانون بعهده دارد که باید با ایفای این وظیفه مقدمات اجرای این وظایفی را که عرض کردم فراهم کند این است که آئین نامههایی متناسب با احکام قانون و متناسب با مشکلات و مسائل اجتماعی که هست تنظیم کند و این آئین نامهها را برای رفع این مشکلات بموقع اجرا بگذارد، بدیهی است یک وظیفه دیگر هم وزارت کار و امور اجتماعی یا هر یک از وزارتخانههای دیگر هم دارند و آن این است که مدام بصورت نیروی نظارت کننده و بررسی کننده ای باید باشند که در زرا تکمیل و تغییر قوانین، متناسب با شرایط زمان و مکان کوشش کنند؛ گاه ما مواجه میشویم، در سؤالاتی که طرح شده است با این پاسخ که سازمانهای مسئول میدهند که این ایراد یا اشکالی که بیان میکنید در متن قانون راهی برایش پیش بینی نشده و ما این ایراد و اشکال را قبول داریم ولی وضع قوانین کنونی بدین کیفیت است. اما از این نکته نباید غافل بود که اگر وظایف سازمانهای مسئول را در سطح وسیعی بررسی کنیم دو وظیفه مهم بعهده دارند یکی این وظیفه که، قانون را اجرا کنند و دیگری این وظیفه که مراقب باشند با توجه بمشکلات، با توجه به تغییرات اقتصادی و اجتماعی با توجه به تحولات اجتماعی تمهیدات، طرحها و نظریات جدید را از نظر تکمیل و تغییر قوانین متناسب با آن اصول در نظر گیرند، یعنی فرض کنید اگر وزارت آموزش و پرورش است، وزارت آموزش و پرورش بطور کلی مسئولیت اجرای قانون و ضمانت ارشاد و ترویج همه امور مربوط به آموزش و پرورش مملکت را بعهده دارد؛ باید بیدار باشد، مراقب باشد، بررسی کند، راههای جدید ارائه بدهد و آنجا که لازم است این راههای جدید را در لباس قانون قرار بدهد لایحه لازم تنظیم و تقدیم کند تا بصورت قانون درآید و آن اجرا کند بخصوص آن فهدمتها و سازمانهایی که باشند انقلابی، تحولات انقلابی بیشتر ارتباط دارند، این وظیفه بیشتر بعهده آنهاست، اینها وظایفی است که وزارت کار بعهده دارد

حال بررسی کنیم به بینیم این وظائف به چه صورت انجام میشود، این وظائف به چه کیفیت در محیط و محدوده ای که وزارت کار بر او تسلط و مسئولیت دارد پیاده شده است؟ من در یکی از جلسات گذشته بود که موارد متعددی را بیان کردم، این موارد متعدد چنین بود که بسیاری از آئین نامههایی که بموجب قانون وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی بوده که این آئین نامهها را تنظیم کند و وضع کردههای زیادی از کار گیران را مشخص سازد و آنها را از حقوقیکه در قانون بطور کلی پیش بینی شده و تفویض آن حقوق و اجرای آن حقوق موکول بوده است به نحوه ای که در آئین نامه تنظیمی پیش بینی شود متأسفانه طی ۱۰ سالیکه از تاریخ تصویب قانون کار و تأسیس وزارت کار گذشته است و وزارت کار ۱۰ باین وظیفه حساس و اساسی خود اقدام نکرده و بخصوص که این آئین نامهها مربوط به آن گروه از کارگران وطن ما است که در سخت ترین و در وقت تبارترین شرایط بسر میبرند و حمایت وزارت کار و قانون از حقوق حقه آنها یک امر ضروری و قطعی است، همانطور که ملاحظه فرمودید توضیحاتیکه در آن جلسه معاون محترم پارلمانی وزارت کار دارند که تقریباً محتوای آن محتوای همین گزارش بود توضیحاتی نبود که واقعاً پاسخ کننده ای در برابر آن پرسشها نسبت به عدم ایفای وظائف وزارت کار داشته باشد. ما نمیتوانیم در زمان انقلاب تصور بکنیم تا اینکه در قانون پیش بینی شده بود، با وجودی که حکم صریح قانون بود، بعلمت اینکه ده سال گذشته باشد و آئین نامهها را تنظیم نکرده باشند هنوز بسیاری از کارگران از حقوق قانونی خود برخوردار نباشند، لابد باز این ده سال تأخیر، این ده سال تعلل در انجام این وظیفه قانونی توجیه میشود به اینک یکشنبه نمیشود رم را ساخت اولی و ده سال گذشت و همچنان اجرای این قسمت اساسی از مقررات قانون بعهده تعویق افتاد خوب چه کسی پاسخگو است؟ معلوم است کی باید پاسخگو باشد؟ وزارت کار و در برابر وزارت کار حزب اکثریت (صحیح است) شما مقررات قانون را اجرا نکردید (صحیح است) آئین نامههای قانون را تنظیم نکردید و با تسامح در تنظیم آئین نامههای قانونی

کر. همائی زکار گران از حقوق حقه قانونی آنها محروم گردیدند. مهندس ارفع هیچ جنبی چیزی نیست این نحوه فضاوت جناب عالی است) اگر آئین نامه تنظیم شده و اگر مقررات آئین نامه اجرا می شود و پیش هم غالباً همین نکته بود بجای اینکه به این کیفیت بفرمائید صحیح نیست همین حال بفرمائید بعد که تشریف می آید و در پاشخ بدهید بفرمائید که این آئین نامه در فلان تاریخ تنظیم شده و در فلان تاریخ اجرا شده (پور بابائی - کدام آئین نامه؟ آئین نامه مربوط به کارگران کشتیرانی آئین نامه مربوط به کارگران فصلی (پور بابائی - کارگران فصلی آئین نامه ندارند) به قانون مراجعه بفرمائید متأسفانه کسانی چون شما در دروزارت کار کار کرده اید تصدی مقامات مهمی بوده اید این آئین نامه ها تنظیم نشده است (دکتر دادفر - درخشانترین کارنامه در مورد کارگران دروزارت کارسهم کردن کارگران و سایر اقداماتی است که شده به موقع عرض خواهد شد) سهم کردن کارگران يك اصل انقلابی بود و ارتباطی به وزارت کار ندارد (عده ای از نمایندگان - سهم کردن کارگران يك اصل انقلابی بود) شما اصل انقلابی را به پای وزارت کار نگذارید مگر اصل اصلاحات ارضی مربوط به وزارت اصلاحات ارضی است با مربوط به وزارت کشاورزی است آقای دکتر دادفر این از اصول انقلاب است (دکتر دادفر - مجری آن گوی بود؟) آنها از منشور انقلاب است علی ایحال اگر آقایان نشر بف آورند و توضیح دادند روشن میشود و اینطور که اطلاع پیدا کردم کمیسیونهای تشکیل شده است که آئین نامه ها بررسی و تنظیم بشود و من حالا بر اساس همین گزارش خواهم رسید به نتایجی که متأسفانه وزارت کار و امور اجتماعی وظایف مستقیم و قانونی و اجتماعی خود را انجام نداده (عده ای از نمایندگان - اینطور نیست) (حفتناس - کارگران میا رهبر دلسوزی دارند شما نه خودتان کار کرده اند از خانواده کارگر بنا بر این برای ما دلسوزی نکنید) عجب شما يك نکته را توجه داشته باشید این طرز فکر درست نیست توجه داشته باشید کارگر مهندس کارمند دانشجو وکیل دادگستری وکیل مجلس همه ما وابسته به يك یکدیگر هستیم که ملت ایران است (صحیح

است) ماهمه درباره هم فکر میکنیم طرز فکر تجربیدی نداشته باشید منتهی من که کارگر نیستم ولی در سطح برنامه های ملی و به ملت من فکر میکنم می آیم از منافع کارگران سخن میگویم ولی شما نماینده کارگر به کیفیت دیگر ولی اصولاً این طرز فکر را نداشته باشید يك نکته را عرض کنم این طرز فکر تجربیدی را زمانی میخواستند رواج بدهند ولی ماهمه وابسته به يك ملت هستیم کارگر کارفرما هر کس که باشد ما از درجه این موجود هم بیوخته بحث میکنیم این است که اینجا میبینید من از کارگر و کشاورز و دانشجو و کارمند دولت سخن میگویم زیرا من خود را نماینده هیچ گروه از اینها به تنهایی میدانم من خود را نماینده ملت ایران میدانم

پدرامی - رفتارشان نشان میدهد
دکتر صدر - شما نماینده وزارت کار هستید (مهمه نمایندگان)

پور بابائی - این حرف را از نژید (زننگ رئیس) رئیس - اجازه بفرمائید ادامه بدهند

پزشکپور - بلی عرض کردم بر اساس این گزارش وزارت کار و وظائف قانونی خود در بسیاری از موارد انجام ندادند است در قسمت دوم از بند این گزارش ذکر شده است بازرسی عمومی از ۳۹۶۴ کارگاههای مختلف تهران و شهرستانها و نظارت بر اجرای ماده ۲۸ قانون کار در مورد بازرسی از کارگاههای جدید الاحداث و قسمت دیگر خوب سؤال من این است که تعداد کارگاههایی که بطور کلی در کشور ما وجود دارد چه تعدادی است؟ آیا محصور میشود به همین تعداد ۳۹۶۴ کارگاه و با تعداد بیشتر و افزون تری است؟ در این تردیدی نیست که تعداد کارگاهها در سراسر کشور ما از ۳۹۶۴ کارگاه بسیار بیشتر است در دفعه قبل که پیرامون این قبیل کارهای وزارت کار عرض کردم پاسخی که داده شد از طرف معاون وزارت کار این بود که بهر حال دارای کارهای لازم و نیروهای انسانی برای اجرای آن وظایفی که قانون بعهده وزارت کار گذاشته است نیستند و باید این کارها فراهم شود تا بتوانند تمامی این وظایف را اجرا کنند، من میگویم و آن بار هم عرض کردم از نظر وزارت کار و وظائف حساسی که بعهده دارد و اینکه باید

واقعاً اصول انقلاب را از نظر سطح کارگران روابط آنها با رفقای مایان، محیط کار آنها دقیقاً مورد اجرا بگذارند این يك منطق قابل قبولی نمیتواند باشد، یعنی بهر حال باید مقررات قانون کار اجرا بشود، ما نمیتوانیم مقرراتی داشته باشیم ولی این مقررات را بعنوان نداشتن وسائل یا کار لازم بخصوص از نظر وظائف وزارت کار اجرا نکنیم با اجرای اینها را عمیق بگذاریم و من نظر همکاران گرامی را در این قسمت به توضیحاتی که جناب معتمدی در آن جلسه دادند و در صورت جلسه منعکس است جلب میکنم دلالتی را که اقامه کردند این بود که کار ندارند و وسیله ندارند و ما این دلیل نمیتواند قانون را اجرا کنند، عرض من این است وقتی وزارت کار مسئولیت دارد و این مسئولیت بی چون و چرا است که باید ارشاد کنید، مسائل کارگری را نظارت کند و قانون را اجرا نماید بهر حال اگر احتیاج هست به يك روشهای جدید یا به مقررات جدید، احتیاج هست به کادر جدید، میبایست این روشها را نشان بدهد، آن کادرها را میبایست تأمین بکند و میبایست قانون بخصوص، از نظر منافع کارگران اجرا بشود. در قسمت سوم همین بند ذکر شده است بازرسی بهداشتی از کلیه کارگاههای بلور سازی، پشم پاك كنی و سیمان و آسیابهای سنگ خورد کنی در تهران و شهرستانها استنباط من این است این قسمت از گزارش به این کیفیت دلالت دارد که بازرسی بهداشتی که از مهمترین وظائف وزارت کار است این بازرسی اگر دقیقاً اجرا و اعمال میشد ما با وضع رفت بار کارگران فالیافی زورسرو نمیشدیم این وظیفه بسیار مهم از نظر بهداشتی اگر دقیقاً رعایت میشد و رعایت بشود کارگران در شرایط سخت و در بیغوله ها بار ادامه نمیدهند سخن من این است که این بازرسی بهداشتی بموجب این قسمتی از گزارش فقط در قسمتی از کارگاهها اجرا شده و آنجا کارگاههای ما تنها کارگاههای بلور سازی است، پشم پاك كنی، سیمان و آسیابهای سنگ خورد کنی است البته من میدانم فوراً بعضی از همکاران متذکر خواهند شد که طبیعت کار این کارگاهها بکیفیتی است که يك نوع نظارت بهداشتی بیشتر را اجاب میکنند، در این هیچ تردیدی نیست

چون کارگاه سنگ خورد کنی است، پشم پاك كنی است اینها طبیعت کارشان بصورتی است که از نظر ایمنی محیط نسائلم برای کارگران رعایت اصول بهداشت ضرورت بیشتری دارد در این هیچ تردیدی نیست اما این موجب نمیشود که وزارت کار بازرسی بهداشتی خود را نسبت تمام کارگاهها اعمال و اجرا نکند این از مهمترین مسائل اجتماعی است یعنی این یکی از مهمترین مسائل مربوط بقانون کار مربوط بگروههای کارگر، مربوط بحفظ نیروهای تولید کننده و مربوط بتعمیم مسائلی است که کارگران مرتبط است و در این قسمت واقعاً گزارش چنین دلالتی برای افساسی این قسمت از وظائف وزارت کار را ندارد در اینجا قسمت دیگری هست مربوط بتشکیل سندیکاها، متأسفانه نحوه کار رؤسای ادارات کار غالباً بکیفیتی بوده که تشکیل سندیکا های کارگری غالباً منوط به این بوده است که اینها بکیفیتی الحاق خود را بحزب ایران نوین اعلام میکردند (عده ای از نمایندگان - اینطور نیست) ما چند مورد را داریم، با وزارت کار هم در میان گذارده شد اگر انتخاب اصلاح بکنند ابرازی ندارد و این انتخاب اصلاح باید واقعاً بنا بدرخواست و تمایل خود کارگران باشد والا نباید در شرایط خاصی آنها را متفرق بدهید رئیس اداره کار مربوط میگوید، به دلایلی، به کیفیت، به شرطی من سندیکا شما را ثبت میکنم و تشریفات قانونی لازم را انجام میدهم که شما وابستگی خودتان را به حزب ایران نوین اعلام کنید (پدرامی - اداره کار ثبت سندیکا نمیکند) (فرهادپور - وابستگی سندیکا به حزب خلاف اصول است سندیکا نمیتواند تابع حزب باشد این يك نظر دنیائی است) (عده ای از نمایندگان - اینطور نیست سندیکا به هر حزبی که منافعی را تأمین بکند با وابسته میشود)

رئیس - اجازه بفرمائید صحبتشان را بکنند
پزشکپور - علی ایحال نکته ای را که عرض کردم این بود که برای اجرای اصول انقلاب واقعاً ایجاد يك نظم انقلابی میبایست سازمانهای آزادی کوشش بکنند برای اینکه در کادر و وظائف خود با بیطرفی و صرفاً منبأ ابفای وظائف اداری خود رفتار بکنند برخی اوقات

یک تصویری وجود داشت که چون حزبی اکثریت دارد با دولت را در اختیار دارد با اکثریت را در مجلس دارد پس لزوماً هر یک از سازمانها یا عثایری که با سازمانهای اداری و دولتی ارتباط دارند میبایست در این حزب باشند (عدهای از نمایندگان - اینطور نیست) ولی شما چنین فلسفه‌ای را قبول دارید که درست نیست (دکتر یزدان پناه - جناب آقای رئیس صحبت حزب است یا بود چه ؟)

رئیس - صحبت همه چیز

پزشکپور - البته چه خوب شد از مقام عالی ریاست سؤال فرمودید و ایشان سنت موجود در کار مجلس را بیان فرمودند اما بهر حال این روش درست نیست و کارگران ما میبایست در انتخاب راهی که البته هر یک از آن راهها در وضع قانونی مملکت در نظامات مملکت مجوزی برای کوشش و گسترش دارند داشته باشند و همانطور که رهبر انقلاب شاهنشاه بیان فرمودند احزاب قانونی هستند مردم ایران، کارگران، کارمندان و دیگران باید بتوانند و آن فرصت را داشته باشند و آن فرصت را در اختیارشان قرار بدهند که راهی را که میخواهند خود انتخاب کنند (صحیح است، اجاست)

دکتر حکیم شوشتری - جناب آقای پزشکپور این کار انقلابی را فرمائید که از نظر بعضی از مطالب برای اینکه بیشتر استفاده بکنیم خودداری فرمائید

پزشکپور - اگر این کار انقلابی است از نظر جنابعالی ...

پندرامی - با انقلابی که شده دیگر کارگر اشتباه نخواهد کرد دیگر چند پارچگی بین کارگران بوجود نخواهد آمد سازمان بزرگی است که باید این قسمت را اداره بکند

دکتر طالع - عکسها را تشریف ببرید ببینید چه کسانی را جای کارگران آورده بچه‌های ۵ ساله و ۶ ساله جزو کارگران بوده‌اند

پندرامی - این حرفها را نزنید

پزشکپور - شما عرض کنم که این مذاکرات بین الاقبتین که زیاد صورت میگیرد سبب میشود که اولاً من فرصت پیدا بکنم مطالبی را خدمتتان بیان کنم در قسمت

بله بهر حال منظور من این است که نکاتی را که بررسی میکنیم یعنی چه ؟

بهر حال وقوع منقصتهائی که واقعاً باید داده شود این است این گزارش چنین دلالت دارد سخن من این است وقتی که وزارت کار خود را موظف و مسئول رسیدگی باین امر میدانند قانوناً همست و حقاً هم بایستی باشند میبایست به کیفیتی انجام وظیفه کنند که با گزارشهای روز و رشویم حاکی از اینکه تعداد زیادی یعنی مهمترین قسمت از متقاضیان کار به قسمتهای مربوط معرفی نشده‌اند یک بیکه دیگر که در این گزارش هست و در سطح کلی تر از نظر بر نامه‌های مملکتی و مسئله‌ای که مدام بعنوان فرار مغزها مطرح میکنیم حائز اهمیت میباشد گزارش است که در قسمت ۹ ردیف ۲ این گزارش منعکس شده است من این موضوع را قاطعاً نظر وزارت کار عرض نمیکنم بلکه از نظر بر نامه‌های کلی و وضع کلی و همه سازمانهای مربوط آن را بررسی میکنم در گزارش ذکر شده است که ۱۲۷۸ نفر از فارغ التحصیلان مراجعه کرده‌اند و تقاضای ارجاع شغل و کار داشته‌اند از این ۱۴۷۸ فارغ التحصیل ۶۳۰ نفر را یا وزارت کار معرفی کرده یا بقول جناب حیی خودشان رفته‌اند و کار پیدا کرده‌اند بهر حال ۸۴۸ نفر از ۱۴۷۸ نفر فارغ التحصیل بموجب این گزارش مشغول بکار نشده‌اند و یا اگر برخی مشغول بکار شده‌اند در این گزارش منعکس نیست این مسئله یکی از مسائل و مشکلات اساسی ما است آیا مدام درباره فرار مغزها صحبت نمیکنیم؟ (دکتر پرتو اعظم - شما که میفرمائید بول ندهند و اعتبارات کم باشد! یا نظرتان این است که ۸۰۰ تومان حقوق باشد) من عرض کردم حقوق و پول با میزانی که مورد نظر شما است ندهند و الا بطور متعارف خرفی نیست (دکتر پرتو اعظم - با ۷۰۰-۸۰۰ تومان حقوق که نمیشود جاو فرار مغزها را گرفت)

بهر حال این نکته یک مسئله اساسی است این گزارش از این نظر راهنمایی کننده است که ما باید مشکل بسیار اساسی روز و رشویم و اینکه متقاضیان هستند، اینکه مغزها

برای قبول مشاغل و خدماتی می‌بندند، مراجعه میکنند ولی بهر حال بهر کیفیت سازمانهای دولتی هنوز آن آمادگی باینست یا آن نظم لازم داده نشده است برای اینکه تمام متقاضیان را جلب کنند و در این نزدیکیست که باید اندیشه عاجلی کرد برای اینکه این مشکل را حل نمود بسیار دهنده فارغ التحصیلان می‌بندند، با امیدهای بسیار می‌بندند برای اینکه خدمتی بپذیرند، شغلی بپذیرند ولی من نمیدانم چطور است که واقعاً هنوز آنچنان وضعی ایجاد نشده که اینها با سادگی بدون دغدغه خاطر و مشکلات بشوایند بیایند در یک پایگاه اداری و اجتماعی قرار بگیرند و خدمات خود را بعلت و سرزمین ما انجام بدهند این مسئله باید مورد توجه قرار گیرد از نظر پاسواد کردن کارگران اینجا آماری هست بموجب قسمت ۱۳ این گزارش تعداد ۱۱۸ نفر در کلاسهای آموزشی شرکت نموده و موفق شده و بکلاسهای بالاتر ارتقاء یافته‌اند تعداد کارگرانی که در سراسر کشور موفق به اخذ گواهینامه آموزشی چهار ساله شده‌اند بالغ بر ۱۴۶۲۵ نفر میباشد البته این کوشش، کوششی است در خور ستایش ولی یک چنین آماری برای وزارت کار با گسترشی که در سراسر مملکت دارد و با دهها هزار کارگر که با او ارتباط دارند و با اینکه در این نزدیکی نیست که گروههای بسیاری از آنها هنوز بیسواد هستند این گزارش یک گزارش درخشانی برای شرکت وزارت کار در امر بیکار بیسواد نیست (عدهای از نمایندگان - صحیح است) من با گزارشی روز و رشویم هستم که در این گزارش از نظر پاسواد کردن کارگران آماری داده شده اگر سوی این افزوده شود جای خرسندی بسیار است ولی اگر تعداد این باشد یعنی ۱۱۸۰ نفر برای دستگاه وسیع وزارت کار و شبکه‌های وسیع کارگری که با وزارت کار ارتباط دارند آمار درخشانی نیست (بانو تربیت - آقا سوی این است تنها رقم ۲۶۰۰ نفر با پاسواد شده‌اند بنده خودم نظارت کرده‌ام همه‌اش اینجا منعکس نیست) (خسروانی - آن تعدادی که ذکر شده برای استفاده

از شرایط حقوقی بهتر است) جناب خسروانی توضیحی دادند و آن اینست که این تعداد تعدادی هستند که بعد از آن بالاتر از نظر تحصیلی میروند برای اینکه احراز موقوفیت بالاتری از نظر شغل و کار نماید، بهر حال اگر از آن نظر هم تمایزی برای بیکار بایسواد صورت گرفته که بیایستی واقعا وزارت کار این مبارزه را داشته باشد چه خوب بود که در گزارش ذکر میشد بهر حال اگر به این کیفیت است که بسیار خوب و امیدوارم يك گزارش داده بشود که از نظر مبارزه بایسوادى، از نظر امر بیکار بایسوادى در فشره های کارگری روشن باشد که وزارت کار چه نقشی را ایفاء کرده است البته يك قسمت دیگر که من دیدم در این گزارش ذکر نشده بود و آن تشکیل کنفرانس شهرداران انتخابی بود در تالار وزارت کار و تمیذانم چرا اینجا ذکر نشده (بانو نریبت - اگر همه چیز را بنویسند میگویند کتاب فطور است!) (خنده نمایندگان)

بهر حال وزارت کار برآستی باید کوشش بیشتر و يك سلسله اقدامات انقلابی بیشتر داشته باشد و امیدواریم که این موارد حداقل از نظر بودجه در سال آینده در نظر گرفته شود من سعی میکنم با اختصار و ایجاز بگویم (احسنت) چه کنیم مگر ما با اینگونه تمهیدات از شما اکثریت احسنت بگیریم این تنها راه بود و اما وزارت منابع طبیعی (چند نفر از نمایندگان) شما که گفتید مختصر خواهید کرد) من عرض نکردم سخنانم را پایان میدهم گفتیم با ایجاز بیشتر ملاحظه فرمائید يك گزارش است که وزارت منابع طبیعی بموجب قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی که اینجا هم بحث و سخن بسیار داشتیم و دلایل و توضیحاتی بموجب اقامه شد، بر ضرورت تشکیل این وزارتخانه و اینکه آبخیزان و وظایف سخت و مهمی بعهده دلدرد که این وظایف را دقیقاً انجام بدهد که در غیر اینصورت این مشکلات باقی خواهد بود این وظایف عبارتند از حفظ و حمایت و توسعه و تکثیر و بهره برداری از خاک، جنگل، مرتع، حیوانات وحشی، آبیان، شیلات و غیره اینها قسمتی از وظایف وزارت منابع طبیعی است. برای وزارت منابع

طبیعی در بودجه امسال يك میلیارد و ۹۹۰ میلیون ۳۶۵ هزار ریال پیش بینی شده است (حی - کم است یا زیاد؟) حالا وقتی بررسی کنیم این گزارش را آنوقت جنابعالی بعنوان يك نماینده مجلس شورای ملی داورى بفرمائید، کم است یا زیاد است؟ اینها وظایفی بود که این وزارتخانه دارد و باید در سمت ایفای این وظایف کوششهایی شده باشد و این کوششها در این گزارشیکه اینجا مطرح است و گزارشیکه دولت داده است منعکس نباشد. به صفحه ۱۱۰ مجموعه گزارش ها مراجعه فرمائید از تمام این وظایف جز دو فرآیند مهم که یکی مربوط است بمطالعه برای جلوگیری از حرکت ریزشها و دیگری برای مطالعه اثرات بادشکنها و موجها و مکانیکی و گیاهی تمام موارد ذکر و فرآیندهای دیگر مربوط است بمطالعات و بررسیهاییکه درباره جنگلها و درختها شده است شما اگر نتوانستید در این گزارش از شیلات از آبیان از وظایف دیگری که برای وزارت منابع طبیعی پیش بینی شده يك سطر پیدا کنید، يك کلمه پیدا کنید، آنوقت فرمائید این سخنان سخنانی است که بر اساس منطق درست بیان نمیشود. این گزارش را ملاحظه فرمائید، متأسفانه گزارش وزارت منابع طبیعی فقط ناظر بانجام يك قسمت از وظایفی میباشد که وزارت منابع طبیعی بموجب قانون بعهده دارد

مجلس این رقم يك میلیارد و ۹۹۰ میلیون ریال را برای ایفای این وظایف اختصاص میدهد بودجه سابقش برای ایفای این وظایف بوده اما این گزارش فقط ناظر بر یکی از وظایف وزارت منابع طبیعی میباشد من بررسیهایی کردم و جمله هایی دیدم، این درست نیست من باختصار در ایتمورد میگذرد در مورد وزارت اصلاحات ارضی بودجه مربوط به وزارت اصلاحات ارضی البته من در طرزکاری که در اینجا انعکاس دارد و میبینم، بادم هست که در بودجه سال ۴۷ مثل اینکه پیش بینی شده بود که ۱۰ شرکت سهامی زراعی تشکیل شود ولی حالا من در این گزارش میبینم که ۱۵ شرکت سهامی زراعی وجود دارد خوب این را با سابقش میبینم (صحیح است) این يك کار انقلابی است این میشود گزارشی که باید مطرح بشود (دکتر خبیب اللهی - خیلی عجیب است) نه عجیب

بست توأم با واقع بینی است چون شما آمدید در بودجه سال ۴۷ برای وزارتخانه ای پیش بینی کرده اید که ۱۰ شرکت سهامی زراعی تشکیل بشود امروز گزارش میآید که ۱۰ شرکت تبدیل شده است به ۱۵ شرکت، یعنی ۵۰ درصد کارش را بیشتر انجام داده، چرا اینها بدسایر وزارتخانه ها بسایر سازمانها این کیفیت عمل کنند؟ تنها آن نیست من در این گزارشها، گزارش من گزارش را بر این راه میخواهم واقعا فقط زامیر بوديك سازمانی محدود بودجه ای اندك وقتی من مطالعه کردم کارهایی را که انجام داده کوششهایی را که در بودجه امسال در زمینه های مختلف انجام داده آنرا استنباط میکنم من نمیدانم آنرا میشناسم و نه هیچیک از اداره کنندگان این سازمان را ولی دیدم که گزارش این کار خود را در وقت انجام داده است (مهندس مینویزنده - که ملاحظه است) این را خود آقایان خوب میدانند و میتوانند ملاحظه فرمایند بدیهی است وقتیکه من می بینم چنین سازمانی اینطور با تحرك و کوشش کار کرده است چه احساس میکنم جز سپاس قلبی، چه احساس میکنم جز رضای باطنی؟ ولی من وقتی میبینم يك وزارتخانه ای گزارشش دلالت دارد آن وظایفی را که داشته انجام نداده است چه میبایست بیان کرد جز اظهار تأسف؟ این است که این خط درخشان را گذشته معدودی از موارد دیگر در گزارش وزارت اصلاحات ارضی، میبینم در قسمت مربوط به تشکیل شرکت های تعاونی اتحادیه های شرکت های تعاونی روستائی میبینم، رقمی هست از وجوهی که جمع آوری شده و سرمایه ای که این شرکت های پیدا کرده اند ۴۲۵۲۶۲۸۴۰۶ ریال وام داده شده به روستائیان، این رقم بنظر من رقمی است واقعا غرور انگیز برای يك چنین طرزکاری، بعد میبینم از تمام این وامهایی که داده شده ۹۳۸۱ آن برگشت داده شده است و این نشان میدهد که میشود کار کرد مردم ما، هم میمانم ما، میگوییم روستائی، میلیون ها مردم ایران آمادگی دارند که يك کار انقلابی و منضبط را انجام بدهند از يك اظهار تأسف هم نمیتوانم خودداری کنم و آن این است که در بودجه سال ۱۳۴۸ دیدم برای تشکیل شرکت های سهامی زراعی مثل اینکه اعتباری پیش بینی نشده است (صحیح است) تمیذانم چرا؟ این شرکت های سهامی زراعی

باید نظم انقلابی، اصول انقلابی را در محیط وسیع روستاها اجراء کنند چه پیش آمده است که تشکیل شرکت های سهامی زراعی ضروری بنظر نرسیده و در بودجه مملکت اعتبار خاصی برای آنها پیش بینی نشده؟ (دکتر بهبهانی - بعداً پاسخ داده میشود) پاسخ اگر توجیه کننده باشد از جان دول میگذرد یکی دیگر از مسائلی که میخواهم عرض کنم این است که به قسمت غم انگیز این گزارش میرسیم و این قسمت مربوط است به وزارت کشاورزی، متأسفانه وزارت کشاورزی وظایف حساس و مهمش واقعا برای هم در روشن است، یعنی تشکیل وزارت اصلاحات ارضی، وزارت منابع طبیعی، هیچیک نمیتواند آن وظیفه مهمی را که وزارت کشاورزی بعهده دارد منتفی کند. حالا که وزارت کشاورزی از برخی امور که بعهده بعضی از این وزارتخانه های تازه تأسیس گذاشته شده فرغت پیدا کرده، پس باید با استفاده از این فرصت وظایف اصلی خود را با کوشش انجام دهد گزارشهای این وزارتخانه حاکی از اجرای برنامه موفقیت آمیزی باشد بودجه این وزارتخانه در سال گذشته ۱۱۳۴۰۳۳۰۰۰ ریال بود در بودجه سال ۴۸ افزایش پیدا کرده است و رقم به ۲۰۱۷۳۹۶۰ ریال رسیده است گزارشی که از این وزارتخانه هست در دو قسمت میباشد اول گزارشی است مربوط به مبارزه با آفات نباتی گیاهی و اشجار، دوم گزارشی است مربوط به دامپروری از جمله سازمانهایی که کشاورزی و کشاورزی تشکیل شده و صورت یکی از سازمانهای انتفاعی معرفی شده و از آن جمله سازمانهایی است که دارای استقلال مالی هست و بودجه مخصوص دارد، سازمانی است بنام سازمان حفظ نباتات اعتباری که برای این سازمان در نظر گرفته شده چقدر است؟ ۲۱۲۲۳۲۰۰۰ ریال دو گزارش این جا منعکس هست یکی گزارش وزارت کشاورزی یکی گزارش سازمان حفظ نباتات ۲۱۱ میلیون تومان بودجه و بابک وضع و نظامات مستقل استدلالات فلسفه شما برای تشکیل این سازمانها و مؤسسات مجزا و جداگانه این هست که يك سلسله وظایف خاصی است که آنها باید انجام دهند، با تحرك انجام بدهند بدون اینکه در گیر و دار اداری باشند انجام بدهند که اگر این وظایف بعهده سازمانهای اداری باشد هرگز نمیتواند با آن سرعت و قطعیت انجام بشود، حال بررسی میکنیم، من وقتی

این دو گزارش را خواندم متأثر شدم قسمت مربوط به مبارزه با آفات نباتی، گیاهی و اشجار عیشود تجمعی گزارش مربوط به سازمان حفظ نباتات، پس تمامی وظایفیکه این سازمان برای خودش قائل بوده طی سال گذشته انجام داده و حالا بار برای اینکه این وظایف را انجام بدهد ۲۱ میلیون تومان بودجه عمومی برای او در نظر گرفته شده همان گزارش مربوط به مبارزه با آفات است من وقتی گزارش وزارت کشاورزی را خواندم عقیده مند شدم که این گزارش از طرف وزارت کشاورزی داده شده با وظایفی که بمعهده دارد و با همین بودجهائی که داشته است هرگز گزارش درخشانی نیست، بعد که گزارش سازمان حفظ نباتات را میخواندم دیدم عجب افلام و ارقامی هست که در ذهن من آشنا میآید، وقتی خوب دقت کردم، بخاطر آمد که عیناً ارقام و افلامی بود که در گزارش وزارت کشاورزی بود! بعد فکر کردم شاید اشتباه میکنم آدمم رفیق به رفیق این دو را تطبیق کردم و دریافتیم که گزارش سازمان حفظ نباتات درست گزارش است که قسمت اول گزارش وزارت کشاورزی است بدون هیچگونه کم و کاست من نمیدانم اگر قرار است این دو سازمان عیناً یک کار را انجام بدهند نه اینکه عیناً دو کار یکسان را انجام بدهند بلکه عیناً یک اقدام بشود و آن اقدام واحد برای گزارش دو سازمان در نظر گرفته شود.

(دکتر حبیب‌اللهی - هر دو یک سازمان است) پس چرا بودجه جدا گانه دارند؟ (مهندس کیا - تکرار شده) اگر تکرار شده گزارش سازمان حفظ نباتات تکرار شده پس قبول دارید تکرار شده؟ این مسأله برای من روشن نیست، میفرمائید تکرار شده، قبول دارم، پس گزارش سازمان حفظ نباتات کو؟ میفرمائید از ارقام وزارت کشاورزی است، باید کار آن در گزارش وزارت کشاورزی منعکس بشود؟ خیر، این درست نیست، پس کار و وظیفه وزارت کشاورزی چه میشود (دکتر بهبهانی - بعد توضیح داده میشود) در این گزارش، یعنی گزارش دولت وزارت نهائی را می بینیم که در اطراف این وزارتخانه ها این قبیل مؤسسات انتفاعی یا شرکتیهای بازرگانی هست ولی کار کرد هیچیک از این سازمانها را ندیدم جزو گزارش آن وزارتخانه منظور

کرده باشند، ملاحظه فرمائید تنها موردی را که من دیدم یکی بودن گزارش سازمان حفظ نباتات و وزارت کشاورزی است (بکنفر از نمایندگان - بله تکرار شده) همینطور است تکرار شده تأسف من هم همین است که تکرار شده! من میدانم تکرار شده، چون وزارت کشاورزی خواسته است گزارش را ارائه کرده باشد تکرار شده! بهر حال گزارش مربوط به کار کدام سازمان است؟ کار سازمان حفظ نباتات بوده، در این تردیدی نیست پس کار و وظیفه وزارت کشاورزی در این قسمت چیست؟ پس ذکر یک گزارش برای دو سازمان منطقی نبوده. اگر یک سطر دیگر در این زمینه نوانتید بمن نشان بدهید (بکنفر از نمایندگان - دامپرورشی - دامپروری) در این زمینه تذکره دارم که موضوع دامپرورشی و دامپروری را عرض نمیکنم (مهندس یارمحمدی - منابع طبیعی راجع به یک روان در حدود ۸۰ هزار هکتار در سبزواری اقدام کرده) این دیگر تبدیل شده به مجاوره عمومی، علی ایحال عرض من این است که متأسفانه این دو گزارش قلم بقلم، رقم به رقم با هم تطبیق نمیکنند الا اینکه بعضی از جملات را از گزارش وزارت کشاورزی برداشته اند، من قبول دارم میدانم این کار سازمان حفظ نباتات است این را هم میدانم و عرض میکنم پس این سازمانی که بودجه جدا گانه دارد و مجلس شورای ملی تصویب کرده است که این سازمان با یک اعتبار و بودجه جدا گانه کار کند گزارش او عیناً نمیتواند گزارش وزارت کشاورزی باشد، حالا این قسمت را از گزارش وزارت کشاورزی بر میداریم، پس بموجب این گزارش نشان بدهید که وزارت کشاورزی از نظر ایفای وظایفش در این قسمت خاص، نه دامپروری چه کرده است؟ اینجا است که بعقیده من با این رقم یا این سازمان اضافه است یا حداقل معادل آن بودجهای که این سازمان دارد در بودجه وزارت کشاورزی اضافه است و این را باز عرض میکنم که از آن نگذرم چون از نظر منطق تهیه این گزارش من، هیچ کجای دیگر ندیدم که گزارش سازمان های مستقل یا انتفاعی، گزارش های سازمان های بازرگانی دولتی را ضمن گزارش وزارتخانه مربوط تهیه کنند و اینهم به این کیفیت که

یک منتی را بگیرند و عیناً بگذارند در دو گزارش (مهندس ارفع وزارت کشاورزی مجموعه است از این سازمانها و بسته بود وزارت کشاورزی پس مجموعه گزارش وزارت کشاورزی است اگر این مؤسسات را منتزاع کنند وزارت کشاورزی عبارت خواهد بود از کار گزینی و دفتر) توضیح جناب عالی را من دقیقاً توجه کردم حالا لطفاً بفرمائید آیا بودجه سازمان حفظ نباتات در شکم بودجه وزارت کشاورزی است؟ (مهندس ارفع - هست منتی ملاحظه فرمائید با داشتن یک مقررات و اختیارات وزارت کشاورزی ریاست آن را دارد) (فولادوند راجع به اشجار که زیاد صحبت کنید مشاخره میشود) علی ایحال در این قسمت مطلقاً به آن کیفیت که حاکی از آن باشد چه میزان از این بودجه را وزارت کشاورزی (نه بودجه سازمان حفظ نباتات) در مبارزه با آفات اشجار و غیره مصرف کرده است تعیین کنیم اما قسمت دوم وظایف این وزارتخانه مهم از نظر دامپروری، بسیار خوب به بینیم با این بودجه های هنگفت چه کرده؟ چه شده چه در نامه های اجراء شده است؟ ما در اینجا سه سازمان را تعیینیم. برای این موضوع سه سازمان هست که در بودجه عمومی اعتباراتی برای آنها پیش بینی شده، یکی وزارت کشاورزی است زیرا از جمله وظایفش بموجب قانون وظایف وزارت کشاورزی است، اگر بخاطر آن باشد بعد از تشکیل وزارت منابع طبیعی و اصلاحات ارضی با مقابله همان زمان قانون وظایف وزارت کشاورزی تصویب شده در این قانون این وظایف پیش بینی شده است و برای انجام اینگونه وظایف منظور که بیان کردم و آن کیفیت بودجه اش افزایش پیدا کرده است. سازمان دوم، سازمان دامپروری کل کشور است با بودجه ای بمبلغ ۳۱۹۱۸۹۰۰۰ ریال، سازمان سوم سازمان گوشت است با ۱۵۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال بودجهای که پیش بینی شده (مهندس ارفع - اینکه مربوط بوزارت تولیدات کشاورزی است) میدانم البته وابسته بوزارت تولیدات کشاورزی است ولی عرض کردم که سه سازمان است که بطور کلی با مسأله گوشت مسأله دامپروری ارتباط دارند و الامیدانم از ارقام وزارت تولیدات کشاورزی است ولی با یک مسأله ای دربرو هستیم بنام سازمان دامپروری و گوشت و این سازمانها بنحوی از انحاء با آن مربوط هستند با این

رقم هائیکه عرض کردم حالا من نظر شما را بقسمتی از گزارش سازمان دامپروری جلب میکنم بنیم گزارش به چه کیفیت هست با ۳۱۹ میلیون ریال بودجهای که تخصیص داده بشده برای این سازمان؟ یک قسمت از گزارش این است که جمعا در سراسر کشور تعداد ۳۰۲۸۹ رأس ماده گاو، تلفیح مصنوعی شده (دکتر حبیب‌اللهی - این رقم خیلی خوب است) بنظر شما خیلی خوب است (مهندس فیروز عدل - با توجه باعتبارات رقم خوبی است) با توجه به اعتبارات، مخارج و هزینه های که شده است؟ (مهندس فیروز عدل - بنده از جناب عالی خواهش می کنم این مسأله را مسکوت بگذارید همین امروز برویم اطراف تهران عملیات سازمان دامپروری را چه در زمینه مرغداری و چه درباره دامپروری نشان بدهم آنوقت خودتان تصدیق میفرمائید چون من ۱۸ سال در این سازمان بودم و ۵ سال مدیر کل این دستگاه بودم تصور می کنم با تمام احترامی که به جناب عالی قائلم در این مورد با شما موافق نیستم زیرا در این قسمت واردم) خیلی بهتر است در این قسمت مهم تشریف بیاورید توضیحاتی بفرمائید که روشن بشود (مهندس فیروز عدل - توضیح خواهم داد) تا بررسی بیشتری در این زمینه شده باشد ولی قسمت دیگر گزارش پرورش گوسفند توزیع ۱۹۰ رأس فوج و بره فوج اصلی شده از گله ها و نژادهای فرا گل - بلوچی - سنجابی جهت اصلاح نژاد دامداری است لابد میگویند رقم خیلی مهم و بالائی است؟ (مهندس فیروز عدل - بنده میگویم با توجه باعتبارات) من میدانم چه میزان اعتبارات باید در نظر گرفته شود از نظر اینکه این سازمانهای متعدد این مسائل ما را سر و سامان بدهند این مسائل ما را حل کنند نظر من - این است که وزارت کشاورزی سازمان دامپروری این سازمان گوشت آن وزارت تولیدات کشاورزی آن اقدامات درخشانی که جناب عالی میفرمائید ولی نتیجه چه شد؟ نتیجه اعلامی است که کرده اند که مضار و نیازمندیهای گوشت کشور از خارج وارد خواهد شد و من فکر می کنم این موضوع جای انکار و تردید نیست که سابقه دامپروری امکاظت دامپروری استعدادهای دامپروری در مناطق مملکت ما شایان توجه و شایان گسترش است (صحیح است) این

مسأله جای تردید نیست این سوابق تاریخی نشان میدهد که در مناطق مختلف مملکت در قرون و سده‌های بسیار برنامه‌های وسیع دامپروری بوده و چرا امروز ما نمانده‌اند داشته باشیم؟ روزگاری بود که در این مملکت میلیون‌ها جمعیت بیش از تعداد کنونی زندگی میکردند و اتفاقاً آنها غذایشان در آن دهدها گوشت بوده است (مهندس فیروز عدل - سطح زندگی بالا رفته مصرف گوشت هم بالا میرود و این مایه افتخار است) ولی آیا مسأله اینست و بهر حال باید به این پرسش پاسخ داد که ما بهر حال میتوانیم مصارف گوشتی خود را در داخل مملکت تأمین کنیم یا نه؟ جنابعالی بعنوان یک متخصص اگر میفرمائید نمیشود آن امری است دیگر اگر میفرمائید نمیشود چرا برنامه‌هایی برای این منظور اجرا نمیشود (مهندس فیروز عدل - زمان میخواهد) صحیح است یکشنبه رم را نمیشود ساخت (مهندس ارفع - جنابعالی اگر در کشاورزی وارد باشید میدانید که زمان میخواهد) علی ایحال عرض من این است این گزارش‌هایی که از بابت این موارد بسیار فهم در اینجا مبینم، گزارش کار وزارت کشاورزی، گزارش این سازمان‌ها گزارشی نیست که بهر حال معطوف به آن هدفی باشد که جنابعالی آقای مهندس ارفع میفرمائید. من در این مورد بخصوص نظریات جنابعالی را احترام میگذارم و یادم نمیرود جلسه‌ای که لایحه مربوط به وزارت کشاورزی مطرح بود و مسأله لزوم و امکان توسعه دامپروری مطرح بود جنابعالی این سخن را سن دادید که ما بخوبی میتوانیم در ایران حد اقل ۶۰ میلیون جمعیت را تغذیه کنیم، این حقیقت است. من عرض میکنم سازمان‌های ما باید برای اجرای این برنامه بزرگ آماده بشوند، وزارت کشاورزی برای اجرای این برنامه بزرگ باید آماده بشود، سازمان دامپروری ما باید برای اجرای این برنامه بزرگ آماده شود میدانم زمان هم میخواهد، اما با این گزارش‌ها ما این زمانها را از دست میدهم. در این تردیدی نیست که زمان میخواهد ولی حداقل گزارش ما باید حاکی از کوششهای فعالانه و انقلابی در تمام اینها باشد. البته همانطور که وعده داده بودم قسمتی از یادداشت‌هایم را کنار گذاشتم

(احسنت) اینهم احسنت دوم و این يك بررسی بود بطور کلی یا بیای بودجه و یا بیای گزارش یکساله‌ای که داده شده بود البته پیرامون برخی از آنها و چند مورد دیگر هست که بعد سرور دکترا عاملی توضیح خواهند داد (حی - هر سه سرور صحبت خواهند کرد؟) خیر دو نفر از سروران صحبت میکنند. در مورد سیاست درآمد بودجه توضیحاتی دادم و در مورد سلب حق نظارت وزارت دارایی مطالبی عرض کردم و باز منبای رعایت اختصار توضیح بیشتری نمیدهم با اینکه یاد داشت شده ولی يك قسمت بسیار مهم دیگر که از اصول سیاست بودجه سال گذشته و بودجه‌ها سال است و اگر باین کیفیت باشد و بودجه‌های بعد را هم حزب ایران نوبین بمجلس بیاورد (عده‌ای از نمایندگان - انشاءالله) در بودجه‌های بعد هم دیده خواهند و این جای ایراد و اعتراض کلی دارد. این موضوع، تشکیل و تبدیل سازمانهای اداری است سازمانهای انتفاعی و شرکتهای بازرگانی دولتی (صحیح است) این بصورت يك سیاست مسلم حزب اکثریت هست (دکتر بزدان پناه - نیست) نیست؟ (دکتر بزدان پناه - باین شدت که جنابعالی میفرمائید نیست) علی ایحال همانطور که عرض کردم چون بودجه حاکی از سیاست و روش حزبی است که بودجه را تقدیم میکنند ما همچنان مبینم از سال گذشته تا کنون این سیاست در بودجه بیشتر اعمال شده و وسیع تر اعمال شده و ما لا با این نتیجه میرسیم که این سیاست حزب تقدیم کننده بودجه است منتهی حالا دلایل و جهاتی را که ذکر میکنند اینست که برخی از کارها هست که اجباب میکند وضع خاصی داشته باشد و البته این از آن مسائل است که ما بهر حال منبای اصول عقاید و پرنسپ با این برنامه و سیاست از نظر نظم مالی مملکت و نظم اداری نمیتوانیم هماهنگی داشته باشیم. اصولاً وقتی عنوان سازمان انتفاعی میکنند این سازمان انتفاعی یعنی چه؟ یعنی سازمانیکه بتواند نفعی بدهد، سازمانیکه بتواند يك میزان سرمایه‌ای را بگیرد و بکار ببندد و بر اساس آن بتواند نفعی بآید بکند، سازمان انتفاعی سواي این چیز دیگری نیست و طبیعتاً شرکتهای بازرگانی و باهر نوع شرکت بازرگانی دیگر هم سواي این نیست که باز بر اساس

سیاست بازرگانی میتواند خود را اداره کند. یکی از اصول قطعی بازرگانی اینست که هر گاه شرکتهای دخالت بر اثر خرجش نبود در واقع این دیگر طبق اصول بازرگانی است حتی بکار خودش نمیتواند ادامه بدهد، این یکی از اصول کار شرکتهای بازرگانی، است از اصول تجارت است در شرکتهای بازرگانی هم که با سرمایه دولت بر اساس اصول بازرگانی و تجارت تشکیل میدهند باید این اصول رعایت شود. چون تمام دلایلی که اقامه میشود اینست که ما اگر این شرکتهای را تشکیل ندهیم و اینها دارای اختیارات خاصی نباشند نمیتوانیم چیزی را که فکر میکنیم از طریق تشکیل این شرکتهای بیایم داشته باشیم، خوب، حالا اگر در این سیاست و در موارد متعدد مواجه با نتیجه قطعی نشویم، مواجه با اجرائی اصول بازرگانی، با اصل انتفاعی بودن این سازمانها با اصل نفع بردن این سازمانها نشویم دیگر چه ضرورتی در ایجاد این سازمانها و ادامه کار این سازمانها در موارد متعدد و مختلف هست؟ من میخواهم ببینم کدام قسمت از وظایف سازمان حفظ نباتات را يك سازمان اداری نمیتواند انجام بدهد؟ کدام قسمت از وظایف بسیاری از این شرکتهای بازرگانی دولتی را يك قسمت از سازمانهای دولتی نمیتواند انجام بدهد؟ البته تعدادی از سازمانها هست که همانطور که آقای دکتر بزدان پناه گفتند نه بآن جامعیت، طبیعت کارشان اجباب میکند که بصورت خاصی اداره بشوند، کما اینکه وقتی این گزارش بررسی شود می‌بینیم آن سازمانها نیکه و اقلاً طبیعت کارشان اجباب میکند و اصول بازرگانی هم در نحوه کارشان اعمال شده مثلاً وقتی گزارش بانکها را مبینم، توجه میکنیم که اصول بازرگانی در کار آنها اعمال شده، گزارش آنها بطور واقع زبان نشان نمیدهد، گزارش آنها نشان میدهد که يك امر انتفاعی را توانسته اند تصدی کنند ولی سایر سازمانها این وضع را نداشته اند یعنی اجباب میکرده است که بصورت سازمان مهتقل انتفاعی با بصورت يك شرکتهای بازرگانی دولتی در بیاید و متأسفانه مبینم که این سازمانها تنها نتوانسته اند نفعی داشته باشند بلکه همیشه باید از ردیف‌های مختلف درآمد ملی با آنها کمک‌های خاصی بشود، من نظر همکاران گرامی را بقسمت هفتم جدول‌های منضم بودجه جلب میکنم. در اینجا صورتی هست در صفحه يك از مؤسسات انتفاعی

وابسته بدولت در این صورت، ردیف‌های مختلفی بعنوان منبع درآمد این سازمانها پیش بینی شده باین ردیف‌های مختلف توجه فرمائید، یکی از این ردیف‌ها پیش بینی درآمد‌های عادی است که تا آنجا که من بررسی کردم منظور از درآمد عادی درآمدی است که خود مؤسسه از طریق ایفای آن نقش و وظیفه خاصی که به عهده دارد عایدش میشود. بعد ردیف‌های دیگر هست، وام‌های داخلی و خارجی، ذخایر از سایر منابع - کمک از محل درآمد عمومی یعنی کمک از محل آن تنها درآمدی که در اختیار وزارت دارایی است - کمک از محل اعتبارات عمرانی این ردیف‌ها و اقلام دیگری هست شما ردیف درآمد عادی هر يك از این سازمانها را مقایسه کنید با اقلام دیگری که بعنوان درآمد از محل‌های دیگر برای این سازمانها در نظر گرفته شده آنوقت باین نتیجه خواهید رسید که آیا این سازمانها يك سازمان انتفاعی است یا خیر؟ آنوقت باین نتیجه خواهید رسید که وظایفی را که سازمانهای اداری میتوانند انجام بدهند بعنوان سیاست انتفاعی به سازمانهای تجزیه شده از سازمانهای اداری موکول کردند در حالیکه نه تنها غالباً در کارهایشان عوایدی ندارند بلکه از طرق دیگر از ردیف‌های دیگر درآمد عمومی مبالغ هنگفتی در اعتبار آنها منظور شده است يك صورتی هست بعنوان هزینه و حساب تقسیم سود مؤسسات انتفاعی نکته حالب اینست که غالباً درآمد عادی این قبیل مؤسسات انتفاعی حداکثر معادل است و غالباً کمتر است از هزینه جاری این مؤسسات یعنی آنچه که بعنوان درآمد عادی از این مؤسسات گرفته میشود غالباً برای هزینه جاری این قبیل مؤسسات که هزینه پرسنلی و هزینه‌های دیگر از این قبیل است مصرف میشود چیز دیگری باقی نمی‌ماند آنوقت از طرق دیگر، از منابع دیگر بعنوان درآمد از ستونهای دیگر برای این قبیل مؤسسات انتفاعی بازرگانی وابسته بدولت مصرف میشود شما اینجا با ردیف ۲۱۲ برخورد میکنید کارخانه شیر یا ستور بزه ایران یکی از این قبیل مؤسسات انتفاعی دولت است.

خسروانی (وزیر کشور) - شیر مجانی بمدارس و درمانگاهها میدهد.

مسأله جای تردید نیست این سابق تاریخی نشان میدهد که در مناطق مختلف مملکت در قرون و سده های بسیار برنامه های وسیع دامپروری بوده و چرا امروز فانی بیداشته باشیم؟ کوز کاری بود که در این مملکت میلیونها جمعیت بیش از تعداد کنونی زندگی میکردند و اتفاقاً تنها غذایشان در آن دهها گوشت بوده است (مهندس فیروز عدل - سطح زندگی بالا رفته مصرف گوشت هم بالا میرود و این مابا افتخار است) ولی آبا مسأله اینست و بهر حال باید به این پرسش پاسخ داد که ما بهر حال میتوانیم مصارف گوشتی خود را در داخل مملکت تأمین کنیم یا نه؟ جنابعالی بعنوان یک متخصص اگر میفرمائید نمیشود آن امری است دیگر اگر میفرمائید نمیشود چرا برنامه هایی برای این منظور اجرا نمیشود (مهندس فیروز عدل - زمان میخواهد) صحیح است یکشنبه رم را نمیشود ساخت (مهندس ارفع - جنابعالی اگر در کشاورزی وارد باشید میدانید که زمان میخواهد) علی ایحال عرض من این است این گزارش هایی که از بابت این موارد بسیار مهم در اینجا مینیم، گزارش کار وزارت کشاورزی، گزارش این سازمان ها گزارشی نیست که بهر حال معطوف به آن هدفی باشد که جنابعالی آقای مهندس ارفع میفرمائید من در این مورد بخصوص نظریات جنابعالی را احترام میگذازم و بادم نمیرود جلسه ای که لایحه مربوط به وزارت کشاورزی مطرح بود و مسأله لزوم و امکان توسعه دامپروری مطرح بود جنابعالی این سخن را سر دادید که ما بخوبی میتوانیم در ایران حداقل ۶۰ میلیون جمعیت را تغذیه کنیم، این حقیقت است. من عرض میکنم سازمان های ما باید برای اجرای این برنامه بزرگ آماده بشوند وزارت کشاورزی برای اجرای این برنامه بزرگ باید آماده بشود، سازمان دامپروری ما باید برای اجرای این برنامه بزرگ آماده شود میدانم زمان هم میخواهد، اما با این گزارش ها ما این زمانها را از دست میدهم. در این تردیدی نیست که زمان میخواهد ولی حداقل گزارش ها باید حاکی از کوششهای فعالانه و انقلابی در راه انجام این هدفها باشد البته همانطور که وعده داده بودم قسمتی از یادداشتها را کنار گذاشتم

(احسنت) اینهم احسنت دوم و این یک بررسی بود بطور کلی با بنای بودجه و با بنای گزارش یکساله ای که داده شده بود البته پیرامون برخی از آنها و چند مورد دیگر هست که بعد سرور دکتر عاملی توضیح خواهند داد (حی - هر سه سرور صحبت خواهند کرد) خیر دو نفر از سروران صحبت میکنند. در مورد سیاست درآمد بودجه توضیحاتی دادم و در مورد سلب حق نظارت وزارت دارایی مطالبی عرض کردم و باز من باب رعایت اختصار توضیح بیشتری نمیدهم با اینکه یاد داشت شده ولی یک قسمت بسیار مهم دیگر که از اصول سیاست بودجه سال گذشته و بودجه امسال است و اگر باین کیفیت باشد بودجه های بعد را هم حزب ایران نوین بمجلس بیاورد (عده ای از نمایندگان - انشاء الله) در بودجه های بعد هم خواهند بود و این جای ایراد و اعتراض کلی دارد این موضوع، تشکیل و تبدیل سازمانهای اداری است سازمانهای انتفاعی و شرکتهای بازرگانی دولتی (صحیح است) این بصورت یک سیاست مسلم حزب اکثریت هست (دکتر یزدان پناه - نیست نیست؟) (دکتر یزدان پناه - باین شدت که جنابعالی میفرمائید نیست) علی ایحال همانطور که عرض کرد چون بودجه حاکی از سیاست و پرورش حزبی است که بودجه را تقدیم میکنند ما همچنان میبینیم از سال گذشته تا کنون این سیاست در بودجه بیشتر اعمال شده وسیع تر اعمال شده و ما آلا باین نتیجه میرسیم که این سیاست حزب تقدیم کننده بودجه است منتهی حالا دلایل و جهاتی را که ذکر میکنند اینست که برخی از کارها هست که ایجاد میکند وضع خاصی داشته باشد و البته این از آن مسائل است که ما بهر حال من باب اصول عقاید و پرنسیپ با این برنامه و سیاست از نظر نظم مالی مملکت و نظم اداره نمیتوانیم هماهنگی داشته باشیم اصولاً وقتی عنوان سازمان انتفاعی میکنند این سازمان انتفاعی یعنی چه یعنی سازمانیکه بتواند نفعی بدهد، سازمانیکه بتواند میزان سرمایه ای را بگیرد و بکار بندد و بر اساس آن بتواند نفعی عاید بکند، سازمان انتفاعی سواى این چیز دیگر نیست و طبیعت شرکتهای سهامی بازرگانی و با هر نوع شرک بازرگانی دیگر هم سواى این نیست که باز براس

سیاست بازرگانی میتواند خود را اداره کند یکی از اصول قطعی بازرگانی اینست که هرگاه شرکتهای دخلش برابر خرجش نبود در واقع این دیگر طبق اصول بازرگانی است حتی بکار خودش نمیتواند ادامه بدهد، این یکی از اصول کارشکت های بازرگانی، است از اصول تجارت است در شرکت های بازرگانی هم که با سرمایه دولت بر اساس اصول بازرگانی و تجارت تشکیل میدهند باید این اصول رعایت شود چون تمام دلایلی که افاده میشود اینست که ما اگر این شرکتهای را تشکیل ندهیم و اینها را برای اختیارات خاصی نشانند نمیتوانیم نفعی را که فکر میکنیم از طریق تشکیل این شرکتهای ببریم داشته باشیم، خوب، حال اگر در این سیاست و در موارد متعدد مواجه با نتیجه قطعی نشویم مواجه با اجرای اصول بازرگانی، با اصل انتفاعی بودن این سازمانها با اصل نفع بردن این سازمانها نشویم دیگر چه ضرورتی در ایجاد این سازمانها و دامکار این سازمانها در موارد متعدد و مختلف هست؟ من میخواهم بینم کدام قسمت از وظایف سازمان حفظ نباتات را یک سازمان اداری نمیتواند انجام بدهد؟ کدام قسمت از وظایف بسیاری از این شرکتهای بازرگانی دولتی را یک قسمت از سازمانهای دولتی نمیتواند انجام بدهند؟ البته تعدادی از سازمانها هست که همانطور که آقای دکتر یزدان پناه گفتند نه بآن جامعیت طبیعت کارشان ایجاب میکند که بصورت خاصی اداره بشوند، کما اینکه وقتی این گزارش بررسی شود می بینیم آن سازمانها یک و افعلاً طبیعت کارشان ایجاب میکند و اصول بازرگانی هم در نحوه کارشان اعمال شده مثلاً وقتی گزارش بانکها را میبینیم، توجه میکنیم که اصول بازرگانی در کار آنها اعمال شده، گزارش آنها بطور واقع زبان نشان نمیدهد، گزارش آنها نشان میدهد که یک امر انتفاعی را توانسته اند تصدی کنند ولی سایر سازمانها این وضع را نداشته اند یعنی ایجاب میکرده است که بصورت سازمان مستقل انتفاعی با بصورت یک شرکت بازرگانی دولتی در بیاید و متأسفانه میبینیم که این سازمانها تنها توانسته اند نفعی داشته باشند بلکه همیشه باید از ردیف های مختلف درآمد ملی با آنها کمک های خاصی بشود، من نظر همکاران گرامی را بقسمت هفتم جدول های منضم بودجه جلب میکنم در اینجا صورتی هست در صفحه یک از مؤسسات انتفاعی

واسته بدولت در این صورت، ردیف های مختلفی بعنوان منبع درآمد این سازمانها پیش بینی شده باین ردیف های مختلف توجه فرمائید، یکی از این ردیفها پیش بینی درآمدهای عادی است که تا آنجا که من بررسی کردم منظور از درآمد عادی درآمدی است که خود مؤسسه از طریق ایفای آن نقش و وظیفه خاصی که به عهده دارد عایدش میشود بعد ردیف های دیگر هست، وام های داخلی و خارجی، ذخایر از سایر منابع - کمک از محل درآمد عمومی یعنی کمک از محل آن تنها درآمدی که در اختیار وزارت دارایی است - کمک از محل اعتبارات عمرانی این ردیفها و اقلام دیگری هست شما ردیف درآمد عادی هر یک از این سازمانها را مقایسه کنید با اقلام دیگری که بعنوان درآمد از محل های دیگر برای این سازمانها در نظر گرفته شده آنوقت باین نتیجه خواهید رسید که آیا این سازمانها یک سازمان انتفاعی است یا خیر؟ آنوقت باین نتیجه خواهید رسید که وظایفی را که سازمانهای اداری میتوانند انجام بدهند بعنوان سیاست انتفاعی به سازمانهای تجزیه شده از سازمانهای اداری موکول کردند در حالیکه نه تنها غالباً در کارهایشان عوایدی ندارند بلکه از طرق دیگر از ردیف های دیگر درآمد عمومی منابع هنگفتی در اعتبار آنها منظور شده است یک صورتی هست بعنوان هزینه و حساب تقسیم سود مؤسسات انتفاعی نکته جالب اینست که غالباً درآمد عادی این قبیل مؤسسات انتفاعی حداکثر معادل است که غالباً کمتر است از هزینه جاری این مؤسسات یعنی آنچه که بعنوان درآمد عادی از این مؤسسات گرفته میشود غالباً برای هزینه جاری این قبیل مؤسسات که هزینه پرسنلی و هزینه های دیگر از این قبیل است مصرف میشود و چیز دیگری باقی نمی ماند آنوقت از طرق دیگر از منابع دیگر بعنوان درآمد از ستونهای دیگر برای این قبیل مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته بدولت مصرف میشود شما اینجا با ردیف ۲۱۲ برخورد میکنید کارخانه شیر باستور بزره ایران یکی از این قبیل مؤسسات انتفاعی دولت است.

خسروانی (وزیر کشور) - شیر مجانی بمدارس و در مانگاها میدهد.

بزرگشکوپور - آنرا لابد يك سازمانی هم میتواند اداره کند در آنجا پیش بینی شده، بر آورد هزینه های جاری - ۷۶۷۴۴۰۰۰ ریال مراجعه بفرمائید بستون درآمد عادی تا بیست و چهارم مبلغ است میفرمائید شیر مدارس را توزیع میکنند بطور مجانی ولی آیا آن مقداری را که توزیع میکنند و آن هزینه های را که بهر حال آن مقدار شیر خواهد داشت باین کیفیت است که يك چنین مبلغی هزینه این مؤسسه باشد بعد ملاحظه میفرمائید آنوقت چه مبلغ از درآمد عمومی ممالک برای این مؤسسه باصطلاح انتفاعی باید مصرف شود این عرض میکنم اگر این مبلغ شیر را که مدارس میدهد دولت از بودجه عمومی میخرد و میداد اگر يك شرکت خصوصی این وظایف را بعهده بگیرد باز ما مواجه با این خسارت نمیشدیم (دکتر یزدان پناه - جناب آقای بزرگشکوپور روزی که کارخانه شیر باستوریزه درست شد هیچکس از بخش خصوصی حاضر نبود این کار را بکنند) من این نظر را ندارم که این کارخانه منتقل شود بخش خصوصی من از نظر سیاست کلی این سازمان میگویم من عرض میکنم، اگر دولت قرار بود تصدی بکنند میتواند بصورت يك سازمان و کارخانه است به دولت این امر را انجام بدهد ولی باید بصورت يك سازمان بازرگانی تشکیل داد بعد برای اینکه از اصول بازرگانی استفاده کنند باین عنوان که میتواند استفاده برد، این نتیجه حاصل نشد این نظر و روش اشکست زده و روشه است، این یکی نیست، این یکی را بعنوان مثال بیان کردم صورت مفصل است اینجا است برای اینکه نام این بصورت را نخواهم فقط نظر نمایندگان محترم را باین نکته معطوف میدارم که سوای ردیف درآمد عادی که درآمد هر يك از مؤسسات انتفاعی است از جمله های دیگر یعنی از درآمد عمومی این اقلام داده شده و در بودجه پیش بینی شده است ملاحظه بفرمائید برای این مؤسسات انتفاعی من حیث المجموع چه رقم کلانی از بودجه کلی ممالک منظور شده است از محل اعتبارات عمرانی ۱۴ میلیارد ریال این مبلغ برای مؤسسات انتفاعی است البته پس از کسر سازمان صنایع نظامی که در بودجه وزارت جنگ پیش بینی شده است از محل اعتبارات عمرانی ۴۴۷۲۹۰۰۰۰ ریال

از محل درآمد عمومی یعنی از روی همان مالیات غیر مستقیم که گرفته میشود ۸۷۰۳۳۴۰۰۰ ریال ذخایر و سایر منابع ۳۵۰۴۷۸۶۰۰۰ ریال وام های داخلی و خارجی يك میلیارد و هفتصد هزار ریال - جمع ۱۹۸۴۸۸۲۰۰۰۰ ریال این مقدار و میزان است که در راه این سیاست و در راه این روش یعنی در راه تبدیل سازمانهای اداری بمؤسسات انتفاعی مصرف شده است این رقم را مقایسه کنید با رقم درآمد عادی این قبیل مؤسسات (دکتر بهبهانی - دو صفحه آنطرف تر هم اقلام و ارقامی است که آمده بدرآمد عمومی) بله دیدم اقلام هزینه ها آنکه جنابعالی میفرمائید جدول هزینه ها است (دکتر بهبهانی - صفحه ۸ فصل هفتم ملاحظه بفرمائید) بله کمک بده درآمد عمومی ۱۸۶۶۷۵۲۰۰۰ ریال این يك میلیارد ریال کسر میشود از این ۱۹ میلیارد درست چنین وضعی است برای شرکتهای بازرگانی تا سرمایه دولت که لافلام هنگفتی از اعتبارات از درآمد عمومی ریخته میشود برای شرکتهای سهامی بازرگانی تا سرمایه دولت که جمع این اقلام ۵۶۶۶۵۲۷۰۰۰۰ ریال است که البته يك قسمتش هم بعنوان کمک بدرآمد های عمومی از این کسر میشود جمعاً ملاحظه میفرمائید یعنی مواجه هستیم با يك سیاست و يك روش کلی که برای تبدیل سازمانهای دولتی بمؤسسات انتفاعی و شرکتهای سهامی بازرگانی صورت گرفته است (دکتر البونئی ۱۴ میلیارد که از محل برنامه میدهند سرمایه گزاری برای توسعه است، بحساب هزینه منظور بفرمائید) کمک از محل درآمد عمومی است (دکتر الموتی - به سازمانها و مؤسسات انتفاعی دولت) بله من هم جمع آنرا قرائت کردم (دکتر الموتی - برای سرمایه گذاری است و غیر از هزینه است) بله دیدم، من هم توجه دارم چه میفرمائید؛ یعنی يك جدول هزینه تنظیم شده که آن جدول هزینه دقیقاً از نظر اقلام و از نظر جمع و تفریق با این جدول درآمدها تطبیق میکنند ولی از نظر اصول بازرگانی و کار شرکتهای و سازمانهای انتفاعی این سرمایه گذاریها که میشود و سرمایه گزاریها اینکه در ابتدا شده و سرمایه گذاریها اینکه بعداً صورت میگیرد، به چه میزان باید عواید داشته باشد؟ (دکتر طالع - و بهره اش چقدر است؟) بهره اش چقدر میشود؟ شما میفرمائید ما تا مؤسسات ایجاد میکنیم ولی

مسلماً اولین کار هر شرکت بازرگانی این هست که غالباً تأسیسات وقتی گذاشته شد بهره برداری هیبایست بشود و تأسیسات را دیگر جزء درآمد محسوب نمیکنند و این جزو سرمایه های است تأسیسات جزء درآمد هیچ شرکت و مؤسسه انتفاعی نیست این جزء سرمایه گذاری است و ما نمیتوانیم این را در بستون درآمد فکر کنیم (وزیر دارائی - جزو بستون درآمد نیست) (دکتر طالع - سرمایه گذاری مستهلك میشود ولی این شرکت ها هیچوقت استهلاك ندارند) البته اینها موارد است که مطلقاً پیش بینی نشده مطلقاً از نظر اصول بازرگانی اگر بخواهیم بحث کنیم وقتی يك مبلغی سرمایه گذاری میشود البته این بطور قطع باید يك بهره ای داشته باشد، سرمایه گذاری مستهلك میشود، ابتدا این سرمایه گذاریها باید منافع مسلمی داشته باشد، سرمایه گذاری که اضافه میشود آنها باید منافع مسلمی داشته باشد، میفرمائید وقتی بهره برداری از آن شروع شده باشد، قسمت اعظم این سازمان ها زمان بهره برداریشان فرا رسیده است مبالغ هنگفتی بعنوان تأسیسات و ایجاد تأسیسات جدید میگذاریم در حالیکه از بهره برداری تأسیسات قدیم خبری نیست علی ایحال نکته ای را که من صبح عرض کردم در بودجه ۳۳۰ میلیارد ریالی بر خورد میکنیم با اینکه قسمت عمده آن بودجه در کادر بودجه عمومی نیست وقتی به این فصول میرسیم میبینیم در این قسمتها و در این موارد است که از نظارت مالی و برنامه های مندر کز و نظارت کننده خارج است و این سیاست يك سیاست نظم مالی و هم آهنگ و منطبق با اصول کلی نمیتواند باشد نکته دیگری که عرض میکنم و مطالبه را با بیان میبخشم موضوع ردیف کمک از اعتبار طرح های مستمر عمرانی است که مدام در بودجه سازمان های مختلف میبینیم آنچه که بعنوان اعتبار مربوط بطرح های عمرانی است هم بر حسب قانون هم بر حسب مصلحت میبایست در راه برنامه های عمرانی مصرف شود و هر گونه تمهید دیگر و هر گونه طرح دیگری که این اصل را اعمال نکند، این اصول کلی را که عرض کردم مخدوش کرده است يك فصل مخصوصی است در این جدول مربوط به بودجه که ذکر کرده است مجموع کمکهای را

که از محل طرح های مستمر عمرانی به سازمانهای مختلف میشود اولاً غالب آن موارد دارای جنبه عمرانی نیست، گذشته از اینکه غالب آن موارد دارای جنبه عمرانی نیست و واقعاً اعتبارات عمرانی فقط مربوط به نسل حاضر نیست بلکه متعلق به تمامی ملت ایران و نسل های آینده ملت ما نیز هست و باید در طریق مصرف شود که خلاف قوانین باشد تولید کننده باشد و چیزی به سرمایه ملی بیفزاید، به همین جهت است که مقنن مصرف اعتبارات عمرانی را جز برای امور عمرانی تجویز نکرده است، گذشته از این که غالباً آن جنبه را ندارد، در آن صورتیکه تهیه شده است من ۲۲۵ ردیف بر خورد کردم که صریحاً ذکر شده میزان کمک هائیکه به سازمانهای مختلف از محل اعتبارات طرح های مستمر عمرانی میشود برای امور پرسنلی این سازمانها است و این درست نیست يك دینار از این وجوه برای امور پرسنلی نباید مصرف شود، ممکن است اینطور استدلال شود که بهر حال این سازمانهای دفتری یا امور پرسنلی که در نظر گرفته میشود مربوط است به سازمانها اینک تصدی میکنند يك سلسله برنامه های عمرانی را (دکتر الموتی طرح های مستمر آن طرحهایی است که ادامه پیدا میکنند و از آن محل باید کمک شود مثلاً سپاهیان انقلاب که از این طرح استفاده میکنند) از جمله از این ردیف ها ردیف ۶۲۸ - ردیف ۶۷۲۸ و ردیفهای مختلفی است که نمیخواهم اشاره کنم ردیفهای متعددی است که از محل اعتبارات طرح های مستمر عمرانی تصرف شده است برای امور پرسنلی بعضی از سازمانها (دکتر الموتی - بعضی ها غیر مستمر است و بعضیها مستمر است که احتیاج دارد ادامه پیدا کند) آنکه در کادر آموزشی نیست فرض بفرمائید امور پرسنلی قبالان وزارتخانه که عنوان شده طرح مستمر عمرانی من عرض اینست که نمیبایست از محل اعتبارات طرح های مستمر عمرانی مبلغ هنگفتی که میشود ۹۵۱۴۵۱۰۰۰ ریال برای امور پرسنلی مصرف شود علی ایحال مطالب و بررسی هائیکه شد باین کیفیت بود که عرض کردم مطالبی بود منطبق بر يك اصولی که در ابتدای سخن عرض کردم باین کیفیت این ایرادات باید لایحه بودجه و جدول منضم بودجه وارد میدانیم و ایداعات که با کوششهای بیشتر و تلاش بیشتر

بتوانیم در ادامه تمرکز ساینده هر چه بیشتر انقلاب و در راه اجرای برنامه‌های انقلابی موفق و پیروز باشیم مطالبی که گفته شد برای اینست که در شرایطی حساس از تاریخ مهم‌ترین امکانات را در درناچار رسالت‌های بزرگ تاریخی از دو پاسخکوی این وظایف در برابر ملت ایران هست، بتواند موارد را بشناسد و در راه ایفای این وظایفش کوشا باشد (احسن).

رئیس - آقای جوانشیر بعنوان موافق صحبت میکنند بفرمائید

جوانشیر - جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم تقارن روز سوم اسفند با طرح بودجه سال ۱۳۴۸ بند را بر آن داشت که مقدمتاً خیلی مختصر و موجز نسبت به يك حماسه بزرگ ملی چند کلمه‌ای بعرض برسانم (احسن) در باره کودتای سوم اسفند مطالب بسیار گفته و شنوده شده سخنرانان محترم، ناطقین، محققین داستانها گفته‌اند و نوشته‌اند (يك نفر از نمایندگان - داستان نیست حقایق است) داستان حماسی است، داستان حماسی. داستانی که منبعث از روح پرافتخار و تلاشگر ملت ایران است (صحیح است) نه داستان مفهوم میتولوژی و نه مفهوم کلمه‌میت به معنای افسانه، معنی دیگر داستان یعنی حقیقت یعنی رویداد واقعی (احسن) من اگر بخواهم يك پایه تاریخی و سیاسی و اجتماعی برای کودتای ۱۳۹۹ بیان کنم باید بگویم قبلاً شناسان ملت ایران بر پایه‌های برگشت بعلم، بخرد و بعقل و تجدید حیات ملتی که تصویر آن ملت، تصویر ملتی که فلسفه جاودانه دارد بصورت موهن حاجی بابا در اروپا و در دنیای غرب منعکس بود پس کودتا مقدمه تجدید حیات علمی، تجدید حیات ادبی، تجدید حیات اقتصادی و اجتماعی و پایه گذار شناسان واقعی ملت ایران در ششم بهمن بود (احسن) کودتای ۱۳۹۹ نقش شخصیتها را در تاریخ بانوجه با نکه برخی معتقدند وقایع بزرگ روزگار محصول تحولات است نشان داد که اگر اینگونه ابر مردها پای به میان نهند هیچگاه تحولات در مجرای آرمانهای ملی جریان و سیلان نخواهد داشت (احسن) بنده سخنی چند در باره کودتا زینت بخش مطالب مختصری کرده‌ام که درباره مطالب بودجه باید بعرض برسانم

کننده و اغوا کننده است. يك مقطع ساکن ما را بجای راه نمیداریم و اقلام شاهد و زبان تحولات و انقلاب نیستند ما امروز نمیتوانیم در يك دوران انقلابی که تمام مفاهیم گذشته را و تمام اندیشه‌های کهن و پوسیده گذشته را که دست و پا گیر ملت بود بدور انداخته‌ایم باز تابع مفاهیم خشک و مغلق گذشته‌ها باشیم برای يك دولت انقلابی بودجه بهیچوجه تعریف کلاسیک آن نیست ما دیگر شکل و صورت قرون ۱۸ و ۱۹ که بودجه را تنها سندی حاوی هزینه و خرج دولت تلقی میکردند که بطور حدس و تشخیص معین میشد نیست این تعریف با تحولات و تاریخ تطبیق نمیکند در نیمه دوم قرن بیستم که مفاهیم انقلابی و اجتماعی ملت‌های عقب افتاده را بصورت توده‌های خروشان انقلابی در مقابل دنیایی که طرز تفکر استعماری و استثماری قرن نوزدهم هنوز در آن چشم میخورد، باید بدنبال مفاهیم دینامیک مفاهیم مترقی مفاهیم تند و تیز دیگری بگردیم در عصر ما مفاهیم و مصادیق دیگری وارد فرهنگ سیاسی ملت‌ها شده است در روز کاری که در قرن نوزدهم یا در قرن هیجدهم بودجه‌ها به پارلمان‌ها میآمد صحبت از رهایی از وابستگی‌ها صحبت از رهائی از تبعیت‌های اقتصادی و مبارزه با استعمار و استثمار مطرح نبود یکی از مظاهر روشن بودجه‌های کشورهای ملت‌های انقلابی این تصویری است که

نمایشگر مبارزه با هر نوع تبعیت و وابستگی است اگر ما در بودجه ارقام و اقلامی را دیدیم و هدفهایی را دیدیم که نمایش دهنده این مسئله مهم تاریخی است که ملت‌ها میخواهند برای جاودانه عقب افتادگی‌ها را پشت سر بگذارند برای همیشه تبعیت‌های اقتصادی را پشت سر بگذارند این بودجه‌های انقلابی است در يك چنین بودجه‌هایی از ارقام و اقلام میتوان صحبت کرد جناب آقای یزیشکپور ...

۳- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - آقای جوانشیر نطق جناب عالی طولانی است؟

جوانشیر - بنده يك ساعت دیگر صحبت میکنم.

رئیس - چون خانمها و آقایان قدری خسته

شده‌اند و امروز هم ساعت جلسه داشتیم فکر میکنم بقیه صحبت خودتان را به فردا صبح موکول بفرمائید.

جوانشیر - بنده حاضرم حرفی ندارم.

رئیس - بنابراین با اجازه خانمها و آقایان جلسه

امروز را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح فردا خواهد بود.

(ساعت ۲ و پنج دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد).

رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**